

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی  
۰۴ فبروری ۲۰۱۷

## سپاه پاسداران، سازمانی مافیائی، حافظ حکومت سرمایه‌داری جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران!

مقدمه:

تمامی سران و مقامات و سپاهیان اسلام، ناسیونالیسم، شوونیسم، فاشیسم و نئولیبرالیسم سرمایه‌داری حاکم کنونی در جهان، در طول تاریخ کسب و کارشان عمدتاً جنگ، کشتار، غارت، تجاوز و تبلیغ و ترویج تبعیض، نابرابری، جهل، خرافات و جنایت بوده است. سیاست‌ها و اهداف و ایدئولوژی‌هایی که همواره با آزادی‌های فردی و جمعی، آزادی اندیشه و بیان، تشکل، برابری زن و مرد، رعایت حقوق کودک، احترام به حقوق پناهمجویان، برابری تمامی ملل بدون توجه به ملیت و جنسیت و رنگ پوست، آزادی مذهب و لامذهبی، عشق، دوستی، همبستگی، سالم‌سازی محیط زیست، صلح، رفاه اجتماعی و...، سر دشمنی و خصومت دارند!



امروز از حاکمیت امریکا گرفته تا حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، از حاکمیت اتحادیه اروپا گرفته تا چین و روسیه، از حاکمیت فیلیپین و ترکیه گرفته تا عربستان و مصر و به‌طور کلی سران و مقامات تمامی حاکمیت‌های سرمایه‌داری جهان، با تمام نهادهایشان مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، ناتو، سازمان ملل متحد و غیره، همه صفات زشت

و هیولائی و پلیدی‌ها و جهل و خرافات و جنگ و ترور را آن‌هم در قرن بیست و یکم، در سیمای کریه و اهداف و سیاست‌ها و فرهنگ و ایدئولوژی‌های خود جای داده و نهادینه کرده‌اند. بنابراین، باید برای تغییر جهان موجود فکر تازه‌ای کرد از «ملیت - دولت» عبور کرد و به تاریخ گذشته و نهاد. چرا که امروز رئیس جمهورها، شاه‌ها، رهبرها و حکومت‌هایشان که بر جهان حکمرانی می‌کنند شرم بشریت قرن بیست و یکم هستند. چرا توده مردم توسط نهادهای خودشان همچون شوراها و دیگر نهادهای با دموکراسی مستقیم جامعه‌شان را اداره نکنند؟ مردم چرا باید سیاهی لشکر رای‌دادن به جریبات مختلف باشند؟ مگر حاکمان، قدرتی برتر از شهروندان دارد؟ و...

برای نمونه حکومت اسلامی ایران، در سی و هشت گذشته حاکمیت خود، نه تنها تلاش کرده شبه‌حکومت قبیله‌ای بیش از ۱۴۰۰ سال محمد و علی را در عصر حاضر پیاده کند؛ نه تنها تلاش کرده جاده صافکن ظهور امام زمان‌شان باشد؛ نه تنها تلاش کرده خود را نماینده «خدای عزوجل» در روی کره زمین نشان دهد؛ بلکه برای تحقق این اهداف خرافی، ارتجاعی و قرون وسطائی خود، تا کنون ده‌ها هزار انسان را به دیار نیستی فرستاده و میلیون‌ها نفر را به خاک سیاه نشانده است! اما دور از واقعیت نیست که بگوئیم حتی بسیاری از این حاکمان جمهوری اسلامی نیز می‌دانند که دین و مذهب و اسلامی و پیامبر و امام و خدا، خرافه‌ای بیش نیستند و آنچه که هم هست نه آسمانی و غیبی، بلکه بسیار هم زمینی است و در خدمت قدرت و ثروت! به عبارت دیگر، همه سران و مقامات و مسدولین حکومت اسلامی، نه در راه «خدای» مجهول و خرافی و پوچ‌شان، بلکه در راه سود و سرمایه و قدرت سرمایه‌گذاری کرده‌اند. دست‌کم بخشی آن‌ها، به‌خوبی می‌دانند که با سلام و صلوات و خدا کریم و رحیم است نمی‌توان به نان و نوائی رسید تا چه برسد یک جامعه هشتاد میلیونی را با آن‌همه سرمایه‌های عظیم انسانی و اقتصادی اداره کرد بدون این که به‌زور و خشونت بربریت متوسل شد! پس تئوریسین‌ها و سران و مقامات حکومت اسلامی، برای سرکوب انقلاب ۵۷ مردم ایران و برپائی یک حکومت فاشیستی اسلامی مستبد و آهنین، واقع‌بینانه عمل کردند و انواع و اقسام نیرو و سپاه جهل و جنایت و ترور تشکیل داده‌اند تا همچنان قدرت و ثروت و موقعیت خود را نگه دارند. سپاه پاسداران، نیروهای بسیج، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، ارتش، پولیس، ژاندارم، جاش، لباس شخصی‌ها، امت حزب‌الله، جاهل‌ها و لات‌ها؛ ده‌ها هزار مسجد و امامزاده، مراکز زیارت مذهبی مانند مشهد و قم، نهادهای امام جمعه‌ها و حوزه علمیه مفت‌خوران و نیروهای انگلی و لمپنی و مروج خرافات؛ ارگان‌های اطلاعاتی - امنیتی مخصوص بارگاه رهبری، کاخ ریاست جمهوری، سپاه، ارتش، اطلاعات، نیروی انتظامی؛ هزاران زندان مخفی و علنی و... دست و پا بریدن، اعدام‌های فردی و جمعی مخفی و علنی و خیابانی، شلاق‌زدن؛ ترور مخالفین در داخل و خارج کشور؛ غارت اموال عمومی، اختلاس، رشوه و دزدی‌های کلان میلیاردها دالری و...؛ قاچاق مواد مخدر و سلاح، انواع کالاهای سودآور، آموزش و تربیت دایمی جاسوس و تروریست؛ منخله در جنگ‌های منطقه‌ای، آموزش و تسلیح تروریست‌های اسلامی به‌خصوص در قاره‌های آسیا و آفریقا، دشمنی با شادی و جشن عمومی و خصوصی، کنترل پولیسی مردم تا اتاق خواب‌هایشان؛ زندگی در کاخ‌ها با ضریب امنیتی بالا و آخرین مدل، حرکت با اسکورت و ماشین‌ها ضدگلوله و... سفرها و سیاحت‌ها و ضیافت‌ها و ریخت و پاش‌های آن‌چنانی، سرکوب هرگونه اعتراض مردمی، کارگران، زنان، دانشجویان، اقلیت‌های ملی و مذهبی، عامل سانسور شدید و دایمی بر رسانه‌ها و تولیدات فرهنگی، ادبی، سیاسی، تحقیق و هنری مستقل و سکولار، صدور حکم سنگسار و زندان و شلاق برای انسان‌هایی که در یک رابطه آزاد و آگاهانه و داوطلبانه با هم عشق ورزیده‌اند و در مقابل آزادی چند همسری و صیغه نامحدود و...

پس سران و مقامات حکومت اسلامی، هنگامی که مردم را به خدا و پیامبر و امام زمان و غیره و بهشت و حوری و قلمان و جهنم سوزان حواله می‌دهند معنی عملی و واقعی‌اش این است که در همین کره خاکی برای خود و اطرافیان‌شان

«بهشت برین» بسازند و در همین کره خاکی برای مزدبگیران و محرومان جامعه و مخالفین خود جهنم سوزان! به عبارت دیگر، پس از مرگ هیچ چیزی وجود ندارد پس هر آنچه هست در این دنیا است! هدف سران و مقامات حکومت اسلامی ایران و همه حکومت‌ها و گروه‌های اسلامی جهان، حتی حکومت‌های سرمایه‌داری کنونی جهان، دستکم از دو جنبه خرافات ملی و مذهبی را شبانه‌روز تبلیغ می‌کنند تا از یک یو مردم متعصب ملی و مذهبی را به دنبال خود بکشند و از سوی دیگر، شکاف بزرگی بین شهروندان جامعه به وجود بیاورند و به قول معروف تفرقه بینداز و حکومت کن. اما مهم‌تر از همه، آن‌ها با سرمایه‌گذاری کلا بر سر خرافات ملی و مذهبی، تلاش می‌کنند مانع رشد آگاهی و روشن‌گری توده‌ها مردم در جامعه شوند. زیرا مردم آگاه، به راحتی زیر بار تبعیض، نابرابری، زور، ستم، جنگ، سرکوب، سانسور، ترور و استثمار انسان از انسان نمی‌رود. اگر تنها اعمال و سیاست‌های اقتصادی حکومت اسلامی را در این دهه‌های گذشته، در نظر بگیریم و مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار دهیم به سادگی به این نتیجه می‌رسیم که اکنون بیکاری و گرانی و تورم و فقر دامن اکثریت خانواده‌های ایرانی را فراگرفته و زندگی اکثریت جمعیت هشتاد میلیونی جامعه ایران را تباہ کرده و روزبه‌روز نیز تباہ‌تر می‌کند.

تاریخ تکامل بشر، نه به لحاظ نظری، بلکه به لحاظ تاریخی واقعی است در حالی که در اسلامی و تقریباً همه مذاهب، غیرواقعی و تخیلی و جاهلانه است.

انسان از کجا آمده است؟ جواب این سؤال می‌تواند مسیر ما را به سوی خرافات بکشاند و یا علم و دانش واقعی بشری. یعنی ظهور و تاریخ تکامل بشر، صرفاً یک ادعا بین مذاهب (مسیحیت، یهودیت، اسلام و...) نیست، بلکه جنگ بزرگ بین عقل و شعور و دانش انسانی با مشتی خرافات ذهنی و هوایی و آسمانیست نه زمینی و منطقی. دانشمندان و مورخان آگاه و ماتریالیست‌ها مسیر تکامل بشر را با هزاران سند تاریخی اثبات کرده‌اند و به‌طور ملموس در مقابل ما قرار داده‌اند در حالی که مذاهب فاقد چنین منطق علمی و عقلانی هستند. و نهایت یک مشتی خرافات و داستان‌های ساخته و پرداخته ذهن بشر هستند که در طول تاریخ، به‌ویژه حاکمان و روحانیون در قالب کتاب‌هایی مانند انجیل و تورات و قرآن به‌خورد مردم عوام داده‌اند و هنوز هم می‌دهند.

در ادامه بحث‌مان به فعالیت‌ها اقتصادی، مافیای و تروریستی سپاه جهل و جنایت و ترور اسلامی می‌پردازیم. در میان آن‌ها، شاید سپاه پاسداران، یکی از مخوف‌ترین و وحشی‌ترین نیروهای حکومت اسلامی و در واقع سپاه جهل و جنایت و ترور و غارتگر و حافظ مطلق حاکمیت و مناسبات سرمایه‌داری در جامعه ایران است.

\*\*\*



نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی ایران

حکومت اسلامی ایران، نیروهای سرکوبگر رنگارنگی را با اسامی مختلف تشکیل داده است تا در تمام زوایای جامعه حضور امنیتی خود را حفظ کند. این نیروهای سرکوبگری که حکومت اسلامی تشکیل داده است از یکسو در حفظ خرافات مذهبی و بازتولید آن‌ها و از سوی دیگر، در ادامه حفظ منافع و مصالح حاکمیت فعالیت کنند.

سپاه پاسداران؛ در سرکوب اعتراضات کارگران و مردمی، بازداشت و شکنجه مخالفین سیاسی حکومت در زندان‌های مخفی و ویژه خود، دخالت در انتصابات داخلی تا بازداشت‌های اقتصادی، قاچاق مواد مخدر، سلاح، شناسائی و ترور مخالفین سیاسی و فرهنگی در داخل و خارج کشور، آموزش‌دهنده گروه‌های تروریستی اسلامی و تسلیح آن‌ها تا شرکت در سرکوب‌های جنبش‌های اجتماعی - سیاسی ایران تا جنگ‌های داخلی کشورهای منطقه و جنگ‌های معروف به جنگ‌های نیابتی و...، فعالیت دارد.

«بازداشت مدیر عامل سابق بانک ملت» به همراه معاون بین‌الملل او توسط سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و «هشدار فرمانده سپاه استان خراسان جنوبی به بالاترین مقام اجرائی این استان» در خصوص عزل و نصب‌ها در آن، به‌سادگی نشان‌دهنده گسترش مداخله‌های این ارگان مخوف در همه امورات کشور است.

بنا به گزارش بسیج پرس، سازمان اطلاعات سپاه، «علی رستگار سرخه‌ای» مدیر عامل معزول بانک ملت را به‌دلیل فعالیت گسترده در یک باند سازمان یافته فساد بانکی بازداشت کرده است.

چند روز پیش از این بازداشت، «حسین طائب» رئیس سازمان اطلاعات سپاه حبر داد که این ارگان در حال «رصد کردن پشت پرده تخلفات اقتصادی» در کشور است و از این پس پرونده مفاسد اقتصادی کلان کشور در دستورکار این نهاد اطلاعاتی- امنیتی قرار خواهد گرفت.

ورود سپاه به پرونده‌های تخلفات اقتصادی، در حالی صورت می‌پذیرد که مسؤلیت مبارزه با مفاسد اقتصادی بر عهده «وزارت اطلاعات» است؛ اگرچه آئین جدید دادرسی کیفری، اطلاعات سپاه را به‌عنوان ضابط قضائی به رسمیت می‌شناسد اما ورود این ارگان به پرونده فیش‌های حقوقی نجومی و بازداشت‌ها، تحرک جدید آن را با نزدیک‌شدن شبه‌انتخابات ریاست جمهوری و تشدید رقابت جناح‌های درون حکومتی را به‌نمایش می‌گذارد.

همچنین با وجود انتشار گزارش‌های متعدد از وجود مسائل مشابه در سپاه پاسداران، تا کنون هیچ‌گونه شفاف‌سازی در این خصوص صورت نگرفته و هیچ سازمانی نیز حق ورود به فعالیت‌های اقتصادی غیرشفاف، بزرگترین کارتل اقتصادی ایران را نداشته است.

سپاه پاسداران در اقدامات اخیر خود، به مداخله در امور اقتصادی بسنده نکرده و با دخالت علنی و صریح در عزل و نصب فرمانداران و مدیران در استان‌ها، پای خود را آشکارتر از گذشته به‌امور سیاسی نیز کشانده است.

خبرگزاری فارس، رسانه نزدیک به نیروهای اطلاعات - امنیتی، در این خصوص نوشت «هاشم غیائی» فرمانده سپاه انصارالرضا خراسان جنوبی با هشدار به استاندار آن در خصوص انتصابات جدید در این استان گفت: «شنیده شده که در روزهای گذشته اقداماتی در استان که شائبه سیاسی دارد در حال انجام است، همکاران اطلاعات سپاه گزارش‌های این موضوع را داده‌اند.» او افزود: «اگر روند فعلی انتصابات ادامه یابد پشت صحنه جریان‌ها را با بسیجیان در میان خواهیم گذاشت.»

فرمانده سپاه، استاندار خراسان جنوبی را تهدید کرد «اقدامی نکند که در آینده شاهد پشیمانی آن باشیم.» فرمانده سپاه در حالی به استاندار مذکور هشدار می‌دهد که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، انتصاب مدیران استانی، روسای سازمان‌ها و ادارات در استان‌ها، از وظایف ذاتی قوه مجریه است؛ به‌بیانی دیگر ورود این ارگان نظامی به این عرصه، خلاف اصل تفکیک قوا و تجاوز به حدود صلاحیت قوه مجریه است.

روشن است که مداخله‌گری‌های بی‌حد و مرز سپاه پاسداران، با چراغ سبز رهبر حکومت اسلامی و «آقازاده» اش، یعنی مجتبی خامنه‌ای انجام می‌پذیرد. افزایش نارضایتی‌های عمومی در جامعه و نگرانی حکومت از تزلزل جایگاه، موجب آن گردیده تا این ارگان نظامی به‌عنوان ضامن بقای قدرت و جایگاه رهبری، در قدرت سهیم شده و دست آن برای دخالت در همه امورات داخلی و خارجی کشور، باز گذاشته شود.

سپردن بی‌چون و چرای اختیاراتی که موجب اقداماتی چون برخورد و سرکوب هرگونه تحرک مخالف حکومت؛ بازداشت و سرکوب مخالفان و منتقدان، فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛ مقابله و سرکوب سیستماتیک زنان، اقلیت‌های ملی، مذهبی، توقیف روزنامه‌های منتقد؛ جنگ انداختن بر اقتصاد کلان کشور و غیره را در کارنامه سپاه و مخوف سپاه پاسداران را رقم زده است.

در واقع با توجه به نفوذ سپاه پاسداران در لایه‌های سه قوه و مسئولین و امتیازاتی که می‌گیرد آن را پس از سال‌ها تبدیل به امپراتوری بی‌رقیب در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی کرده است تا جایی که امروز نیز همچنان شاهد واگذاری طرح‌های اصلی دولت در بخش‌های مختلف به سپاه پاسداران و شرکت‌های وابسته به آن هستیم که تمامی این‌ها به‌تشکیل این امپراتوری کمک شایانی می‌کنند.

پس از این که دعوای لفظی بین رئیس قوه قضائیه شیخ لاریجانی و قوه مجریه شیخ حسن روحانی بالا گرفت و طرفین همدیگر را متهم به فساد اقتصادی کردند اکنون نیز نوبت سپاه پاسداران این نیروی مخوف و حافظ حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی رسیده است. قبل از این‌ها نیز ثروت‌اندزوی خود خامنه‌ای، سردسته راهزنان و دزدان و گروه‌های مافیائی آدمکش در رسانه‌ها اعلام شده بود.

### **سهم خواهی و نقش پررنگ سپاه پاسداران پس از پایان جنگ ایران و عراق در حاکمیت**

با پایان جنگ و برگشت بسیاری از کسانی که خود را طلبکار می‌دانستند به‌داخل کشور، درخواست‌های آنان برای دریافت پست و مقام و امتیازات اقتصادی و غیره شروع شد. آن‌ها که در ابتدا می‌گفتند برای «رضای خدا» به‌جبهه‌ها رفته‌اند و حتی برخی مواقع از گرفتن حقوق هم خودداری می‌کردند، با بازگشت به‌شهرها، مدعی شدند که آن‌ها کلیه امتیازاتی که از دست داده بودند اکنون با دریافت پست و مقام و درجه‌های آن‌چنانی تلاش داشتند تا به‌اصطلاح عقب‌ماندگی خود را جبران کنند. برخی از این نیروها با بازگشت به شهرها به منصوب شدن به مدیریت بالا و متوسط امیدوار بودند. هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای نیز که می‌دیدند با استفاده از این نیروها بود که توانسته بودند انقلاب را سرکوب کنند؛ مخالفین را به‌حاشیه برانند، جنگ را طولانی‌تر کنند، و همچنین حاکمیت را از آن خود کنند پس برای بعد از خمینی نیز به‌آن‌ان نیاز دارند، با انتظارات آن‌ها موافق بودند در نتیجه سنارهائی را بر دوش آنان گذارند؛ بخشی از اقتصاد را به‌اختیار آن‌ها نهادند و راه را برای رسیدن به‌مقامات اداری، سیاسی، قضائی، فرهنگی، دیپلماتیک و همه و همه را برویشان گشودند.

این نیروی مخوف، هنگامی که به خوبی متوجه شده بود سران حکومت نیازمند آن‌ها هستند روزبه‌روز بر خواسته‌ها و امتیازات خود افزودند به‌گونه‌ای که هر روز خواستار یک امتیاز بودند از جمله:

\* امتیاز ورود به دانشگاه‌ها با سهمیه خاص برای خود و خانواده و مادام‌العمر. محمد رضا مردانی رئیس بسیج دانشجویی در همایشی گفته است:

«طبق مصوبه‌ای که در کمیته مشترک بسیج دانشجویی و وزارت علوم به تصویب رسیده است نفرت برتر جشنواره ممتازین بسیج دانشجویی می‌تواند بدون کنکور ادامه تحصیل دهند و در صورت تأیید این کمیته تسهیلات دیگری همچون معافیت از خدمت سربازی نیز به این افراد اختصاص می‌یابد.»

مشیری نماینده مجلس شورای اسلامی گفته است: «بسیج الان نیز در زمینه کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد سهمیه دارد، البته چون امروز تقریباً ورود فرزندان خانواده شهدا، اسرا و جانبازان به دانشگاه‌ها کمتر شده، وزارت علوم جایگزین این سهمیه ۴۰ درصد بسیج دانشجویی را قرار داد که طبق آن، هر فردی با یک نامه از سوی بسیج محله‌اش می‌تواند از امتیاز سهمیه برخوردار شود.»

شاخه دانشجویی سازمان مجاهدین انقلاب در بیانیه‌ای از تخریب افراد خودی به صورت غیرقانونی به کادر هیئت علمی دانشگاه‌ها، برنامه‌ریزی جدی برای تشکیل بافت جعلی دانشجویی با ترفندهایی نظیر تعمیم سهمیه ۴۰ درصدی ایثارگران به اعضای پایگاه‌های مقاومت بسیج، خبر داد.

و...

\*امتیاز گرفتن رتبه‌های علمی بدون طی مراحل قانونی؛

\*امتیاز ساخت دانشگاه‌های مخصوص جهت دریافت مدارک علمی از جمله دانشگاه امام حسین، امام صادق، مالک اشتر، تربیت مدرس و ...؛

\*امتیاز دریافت مجوز صادرات و واردات کالا؛

\*امتیاز دریافت مجوز هر گونه نشریه و انتشارات؛

\*امتیاز دریافت پست‌های مدیریتی کلان در کشور از جمله وزارت، معاونت، سرپرستی، نمایندگی مجلس، سفارت و ...؛  
\*امتیاز دریافت سهمی‌های استادی و دانشجویی بدون طی مراحل قانونی.

جعفر یعقوبی، رئیس سازمان بسیج اساتید و از اعضای هیات علمی دانشگاه امام حسین سپاه، طی گفتگویی با روزنامه قدس خبر داد که تعداد استادان عضو بسیج در دانشگاه به ۲۵ درصد کل استادان رسیده است.

بسیج اساتید که از ۱۳ آذر ۷۹ آغاز به کار کرده، به‌گفته جعفر یعقوبی، با اجرای مصوبه ۲۷ آذر سال ۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی گسترش یافته است. به‌گفته او «در این مصوبه، دو وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف به همراهی و همکاری با نیروی مقاومت بسیج برای تشکیل بسیج اساتید شدند.

استادان بسیجی، در عین حال وظیفه دارند «با مدیریت دانشگاه‌ها و دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و سایر تشکل‌های دانشگاهی برای تحقق دانشگاه اسلامی همکاری کنند: تلاش برای ایجاد وحدت حوزه و دانشگاه در جامعه اسلامی. کمک به دولت و نهادها در هنگام بروز حوادث غیرمترقبه و شرایط بحرانی. مشارکت در انجام تحقیقات مورد نیاز کشور از طریق ارتباط با سازمان‌های دولتی و مراکز علمی. مشارکت در برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی - پژوهشی. تقویت روحیه همکاری و ایثار در بین استادان دانشگاه‌ها.»

رئیس سازمان بسیج اساتید تعداد کسانی را که تحت عنوان استاد بسیجی به عضویت هیئت‌های علمی در آمده‌اند «حدود ۱۲ هزار نفر» اعلام کرده است.

**زندان‌های جداگانه سپاه پاسداران**

یکی از شکنجه‌گاه‌های بزرگ و سری اطلاعات سپاه پاسداران در استان آذربایجان غربی که تقریباً در مراحل اولیه بازداشت اکثر فعالین سیاسی، حقوق بشری، زنان، دانشجویان، کارگران و سایر اقشار جامعه به این شکنجه‌گاه منتقل می‌شوند.

این شکنجه‌گاه به نام «بازداشتگاه ۸۱ رمضان»، متعلق به اطلاعات سپاه پاسداران است و در داخل پادگان المهدی در ۲۰ کیلومتری جاده دریا شهر ارومیه به سوی شهر تبریز واقع شده است. پادگان المهدی یکی از بزرگترین پادگان‌های سپاه در استان آذربایجان غربی است. این بازداشتگاه به‌طور کلی محرمانه است و در هیچ کجا نامی از آن برده نشده است.

بازداشتگاه ۸۱ رمضان وابسته به اطلاعات سپاه پاسداران به ۲ بخش اساسی تقسیم شده است. بخش اصلی آن مربوط به فعالان سیاسی بازداشت شده در سرتاسر استان آذربایجان غربی است و بخش دیگر آن مربوط به نیروهای سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و سایر نیروها که ناراضی هستند و به مخالفت با این حکومت برخاسته‌اند می‌باشد. این بازداشتگاه دارای ۱۵۰ سلول انفرادی است. به جز بازجویان اطلاعات سپاه پاسداران هیچ ارگان دیگری حق تردد به این بازداشتگاه را ندارد.

فعالین دستگیر شده و خانواده آن‌ها، به هیچ‌وجه نمی‌دانند در کجا نگهداری می‌شوند و از نام و مکان نگهداری‌شان بی‌اطلاع می‌مانند. فعالین سیاسی دستگیر شده بین ۴ ماه الی ۱ سال در آنجا نگهداری می‌شوند. بخش نگهداری فعالین سیاسی به ۲ بخش دیگر تقسیم می‌شود. بخشی که از حداقل امکانات اولیه همراه با شکنجه و بازجویی همراه است. بخش دیگر آن، وحشتناک، غیر قابل توصیف و اعمال ضدبشری که در اکثر مواقع منجر به قتل زندانی سیاسی، نقص عضو و ناراحتی روحی می‌گردد، است.

شکنجه‌هایی که در آنجا علیه فعالین سیاسی روا داشته می‌شود وحشیانه و قرون وسطائی است. از جمله شکنجه‌هایی که در این بازداشتگاه علیه فعالین سیاسی اعمال می‌شود عبارتند از:

۱- شوک الکتریکی، بدین صورت که ولتاژ آن را افزایش می‌دهند که منجر به ایجاد سوختگی بر بدن زندانی سیاسی می‌شود. وصل کردن شوک الکتریکی به نقاط حساس بدن؛

۲- آویزان کردن زندانی برای مدت طولانی به شکل‌های مختلف که منجر به بیهوش شدن زندانی می‌شود، ایجاد ناراحتی در قسمت مچ دست، کتف زندانی و معمولاً این ناراحتی برای مدت طولانی باقی می‌ماند؛ ۳- ایجاد صحنه ساختگی اعدام برای زندانی سیاسی که به ۲ شیوه به اجرا در آورده می‌شود. شیوه اول اعدام ساختگی: زندانی را به زیرزمین منتقل می‌کنند به زندانی سیاسی گفته می‌شود که باید وصیت‌نامه خود را بنویسد. صبح زود او را به محل اجرای حکم اعدام می‌برند، بر صندلی قرار داده می‌شود و طناب دار بر گردن زندانی انداخته می‌شود و به او گفته می‌شود اگر اعتراف نکنی اعدامت می‌کنیم پس از صحنه سازی برای اجرای حکم اعدام در آخرین لحظات یکی از بازجویان وارد می‌شود و به آن‌ها می‌گوید این بار او را می‌بخشیم به شرط این‌که همکاری کند. شیوه دوم، ایجاد صحنه اعدام ساختگی، نیمه‌های شب زندانی را به بیابان‌های اطراف منتقل می‌کنند او را در نقطه‌ای قرار می‌دهند و به او می‌گویند که قصد دارند وی را تیرباران کنند. سپس چند نفر از اطلاعات سپاه پاسداران شروع به شلیک کردن به پیرامون زندانی می‌کنند و به این طریق سعی دارند که زندانی را وادار به اعتراف کنند.

۳- قرار دادن زندانی سیاسی در سلول‌های انفرادی که در زمستان بسیار سرد و طاقت‌فرسا و در تابستان بسیار گرم می‌باشد برای مدت بسیار طولانی؛



۴- تهدید زندانی به تجاوز جنسی و انجام بعضی از اقدامات جهت این‌که نشان دهند قصد اجرای شکنجه جنسی را دارند و در مواردی هم اقدام به تجاوز جنسی می‌کنند.

۵- دستگیری اعضای خانواده زندانی سیاسی مانند پدر و مادر، همسر، خواهر و فرزند زندانی و انتقال آن‌ها به این بازداشتگاه و تهدید کردن آن‌ها به شکنجه‌های جسمی در حضور زندانی و یا در سلول کناری زندانی که زندانی تمامی صحبت‌های مربوطه را می‌شنود؛

۶- مانعت زندانی سیاسی از استفاده از سرویس‌های بهداشتی برای مدت طولانی، ممانعت از استحمام زندانی و بیدار نگه داشتن زندانی برای مدت بسیار طولانی.

شایان ذکر است یکی از فعالین سیاسی که در این بازداشتگاه زیر شکنجه‌های غیرانسانی جان باخت «ناصر عیسی‌زاده» نام دارد و ۲۳ ساله بود که به‌اتهام اقدام علیه امنیت نظام دستگیر شده بود. پیکر او را شب هنگام بدون اطلاع خانواده‌اش به خاک سپردند و برای ممانعت از نبش قبر بر روی قبر وی بتون ریختند. اطلاعات سپاه پاسداران پس از بازجویی و شکنجه زندانی سیاسی او را به اداره اطلاعات ارومیه تحویل می‌دهد که بر اساس پرونده‌سازی بازجویان اطلاعات سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات پرونده زندانی سیاسی را به یکی از قضایای وابسته به اداره اطلاعات احاله می‌دهند و به‌قاضی مربوطه توصیه می‌گردد که چه حکمی برای او صادر نماید.

این افشگری در تاریخ ۱۱ آذر [قوس] ۱۳۹۰ برابر با ۲ دسامبر ۲۰۰۱، به کمیساریای عالی حقوق بشر، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیون حقوق بشر اتحادیه اروپا و سازمان عفو بین‌الملل ارسال شده و در برخی شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

همچنین بنا به گزارشات منتشر شده روی اینترنت، سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات با تشکیل زندان‌های مخفی مخالفان را به این زندان‌ها منتقل کرده و به‌سادگی سربسته نیست می‌کنند.

بنا به این گزارش زندان ۵۹ قدیمی‌ترین زندان سپاه در پادگان عشرت آباد (ولی عصر) است. زندان در یک چهار دیواری با یک حیاط بزرگ در وسط، محصور است. بخش اداری آن در ضلع شمالی قرار دارد. اتاق بزرگ نگهبانی در بخشی از ضلع غربی می‌باشد. سلول‌های مردان تماماً در ضلع غربی و سلول‌های زنان در ضلع شرقی محوطه قرار گرفته است.

درب ورودی زندان در گوشه شمال غربی و از داخل حیات نیز، درب ساختمان در زاویه جنوب شرقی قرار دارد. مقابل این درب در داخل ساختمان؛ راه پله نسبتاً کوتاه زیر زمین زندان قرار دارد. در زیر زمین بساط شکنجه و جنایت از قبیل تخت شکنجه و غیره، به‌راه است!

سلول‌ها با سقف نسبتاً بلند که فقط یک پنجره خیلی کوچک به راهرو دارد طراحی شده‌اند، چراغی کم نور در آن سو سو می‌زند که در صورت خاموش شدن تاریکی مطلق بر آن حاکم می‌شود. به‌دلیل همین شرایط و نداشتن پنجره به بیرون، این سلول‌ها و زندان ۵۹ بسیار مخوف است. هیچ صدائی از آن، به‌ویژه از زیر زمین زندان به بیرون درز نمی‌کند.

این زندان همچون زندان ۶۶ سپاه که در پادگان قصر فیروزه «کلاهدوز» و در زیرزمین قرار دارد جزو زندان‌های حکومت اسلامی محسوب می‌گردد! و فقط در اختیار سپاه پاسداران است و هیچ ارگان دیگری بر آن کنترل و اشراف ندارد.

زندان زیرزمینی به نام «باغ وحش» زندانی غیرقابل بازگشت در تهران. این زندان از سه قسمت تشکیل شده است. سلول‌ها؛ آزمایشگاه میکروبی و آزمایشگاه شیمیائی.



افرادی که توسط سپاه پاسداران ربوده می‌شوند؛ در این محل بازجویی و نگهداری می‌شوند و در پایان هم آنان را زیر آزمایش‌های مختلف می‌برند. پس از این‌که این گروگان‌ها و زندانیان کشته شدند؛ برای این‌که اثری از جنایت باقی نماند؛ جسد آنان را در کوره‌های ویژه‌ای می‌سوزانند.

این مجتمع عظیم زیرزمینی دارای سه دهلیز ورودی از سه منطقه است.

اخیراً در منطقه زیر مهر شهر منتهی به ماه دشت «که زندان در زیر آن قرار دارد» دو شهرک در حال ساخت است که به هیچ‌یک از مالکین اجازه حفر چاه داده نمی‌شود و به‌شدت از حفاری در این منطقه ممانعت می‌گردد.

### قتل‌های زنجیره‌ای کرمان

محمد رئوفی نژاد، یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران که فرمانده لشکر کرمان بود و از سوی احمدی‌نژاد به‌استانداری کرمان منصوب شده بود.

در ماجرائی که در زمان فرماندهی لشکر این استاندار در کرمان روی داد، بسیار تکان‌دهنده است. زیرا او در آن زمان در فرماندهی لشکری قرار داشت که برخی از فرزندان خانواده‌های وابسته به آن لشکر در قتل‌های معروف به «قتل‌های زنجیره‌ای کرمان» شرکت داشتند.

روزنامه انتخاب در گزارشی که از نحوه ارتکاب قتل‌های زنجیره‌ای در کرمان به‌چاپ رسانده در مورد شیوه قتل‌ها نوشته است که قربانیان در آب خفه شده و به‌وسیله حیوانات وحشی تکه‌تکه شده‌اند. یکی از قاتلان اعتراف کرده است که یکی از قربانیان را سنگسار کرده‌اند.

به‌نوشته این روزنامه چاپ تهران، یکی از افرادی که توانسته است از چنگ قاتلان جان سالم به در برد می‌گوید علت این‌که او را نکشته‌اند این بوده که سه بار استخاره کرده‌اند اما هر سه بار استخاره خوش نیامده است.

با این‌که قاتلان انگیزه خود را برخورد با فساد اعلام کرده‌اند روزنامه انتخاب به‌نقل از مقامی آگاه نوشته است که هیچ دلیلی دال بر فساد اخلاق قربانیان به‌دست نیامده است.

قتل‌های زنجیره‌ای کرمان توسط نیروهای بسیج در دوران سردار رئوفی روی داده است. بنابر گزارش‌ها، متهمان پرونده مأموران یکی از نهادهای امنیتی بوده‌اند و محاکمه‌شان به‌صورت غیرعلنی و پشت درهای بسته انجام گرفت. گزارش‌ها حاکی از این است که فرزند یکی از مقام‌های استان که از او با عنوان سردار «ر، ک» یاد می‌شود نیز در میان متهمان است اما حاضر نشده است در دادگاه حضور یابد.

قاضی دادگاه کرمان گفت: تمامی ۶ متهم باند قتل‌های زنجیره‌ای کرمان عضو پایگاه مقاومت بسیج علی‌اصغر مولا بودند و با انگیزه پاک کردن جامعه از فساد این قتل‌ها را انجام داده‌اند. به‌گزارش خبرنگار روزنامه انتخاب، قاضی امیری تبار رئیس شعبه ۹ دادگستری کرمان و مسؤول رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای در کرمان، ضمن بیان این مطلب گفت: ریاست این باند را محمد حمزه مصطفوی برعهده داشت که سرباز مرکز کنترل فرماندهی ناجا است و بقیه افراد طبق فرمان او عمل می‌کرده‌اند. او گفت: نخستین قربانی این باند جوان ۱۹ ساله‌ای به‌نام مصیب افشاری بود که ۲۲ شهریور سال گذشته به‌قتل رسیده است. متهمان به‌قتل در بازجویی‌ها گفته‌اند مصیب در میدان امام‌خمینی کرمان مواد مخدر می‌فروخت. ما بعد از شناسایی او چندین بار تذکر دادیم تا دست از کارهایش بردارد، اما او بی‌اعتنا بود تا این‌که به‌دستور حمزه یک روز او را به زور سوار ماشینی کردیم و به‌محله هفت باغ بردیم. در آنجا حمزه ابتدا سنگی به‌سر مصیب کوبید و او را داخل چاله‌ای استخرمانند انداخت. سپس هر کدام از ما سنگی به او کوبیدیم اما مصیب نمی‌مرد تا این‌که حمزه گفت بهتر است او را زنده به گور کنیم. بعد چاله‌ای کنجیم و پیکر نیمه‌جان مصیب را به داخل آن

انداختیم و با شن و ماسه روی چاله را پوشانیدیم و به این ترتیب مصیب را زنده به گور کردیم. قتل دوم: يك هفته بعد از قتل مصیب، محسن کمالی را شناسائی کردیم. او فساد اخلاقی داشت، بنابراین يك روز که در حال خروج از خانه بود، او را گرفتیم و به هفت باغ بردیم و در آنجا محسن را هم خفه کردیم و جسدش را در همانجا مدفون کردیم، سپس به فرمان حمزه، موبایل و موتور محسن را برداشتیم تا از آنها برای کارمان استفاده کنیم. قتل سوم: نفر سوم جمله امیراسماعیلی، زن جوانی بود که او هم خرید و فروش مواد مخدر می‌کرد و فساد اخلاقی داشت. از آنجا که این زن، ازدواج هم کرده بود، پس از ربودن وی او را خفه نکردیم، بلکه چاله‌ای کنديد و با روش سنگسار او را به قتل رساندیم، بعد جسد این زن شوهردار را به بیابان‌های اطراف کرمان بردیم و در آنجا انداختیم...

### شبکه مخوف مریبان آموزشی سپاه پاسداران

سپاه پاسداران علاوه بر چپاول اقتصادی و تسلط بر قدرت نظامی کشور به عنوان یک شبکه مخوف سیاسی - نظامی، اکنون بزرگترین شبکه تربیت مربی را برای رسیدن به اهداف تروریستی خود سازمان‌دهی کرده است. معاون هماهنگ‌کننده نمایندگی ولی فقیه در سپاه در اسفند ماه ۱۳۹۲، اعلام کرده بود: این نمایندگی اکنون از امکان آموزش ۲۲۰ هزار نفر در طول سال برخوردار است و از سوی دیگر با داشتن هفت هزار نفر استاد سازمانی، غیر سازمانی و مدعو، قوی‌ترین شبکه استاد و مربی را در اختیار دارد.

به گزارش خبرگزاری دفاع مقدس حکومتی، سردار «محمدحسین سپهر» معاون هماهنگ‌کننده نمایندگی ولی فقیه در سپاه در جمع تعدادی از روحانیون سپاه با اشاره به اینکه همراهی و هماهنگی نماینده ولی فقیه در سپاه و فرماندهی کل سپاه، علاوه بر هم‌افزایی و همراهی روز افزون، موجب رضایت رهبری نیز شده، از توان ظرفیت آموزشی و تربیتی بالای نمایندگی ولی فقیه در سپاه برای کارکنان سپاه خبر داد و گفت: ما اکنون ۱۰۲ هزار طلبه بسیجی داریم که این نمایانگر وجود شبکه‌ای قدرتمند، ولایی و ارزشمند است؛ علاوه بر این هزار و ۲۰۰ نخبه طلبه و روحانی و ۱۴ هزار هادی سیاسی در سطح کشور داریم.

او با بیان این‌که در سپاه روحانیون اعزامی شاغل و مدعو در ۱۷۰۰ نقطه نماز جماعت برپا می‌کنند، یادآور شد: همچنین در طول سال، هشت هزار مناسبت فرهنگی مانند محافل انس با قرآن نیز توسط روحانیون سپاه اجرا و نظارت می‌شود.

«سردار سپهر»، با اظهار این مطلب که تاکنون ۱۰۰ نیاز پژوهشی توسط سپاه و بسیج استخراج شده و ۱۰۰ عنوان کتاب هم در همین رابطه منتشر شده است، افزود: مجموعه این توانمندی‌ها باعث شده از نمایندگی توانمند و بر خط ولایت برخوردار باشیم. بنابراین امروز نمایندگی ولی فقیه در سپاه آمادگی دارد تا در همه عرصه‌های مأموریتی سپاه پا به پای رزمندگان و کارکنان سپاه رو به جلو حرکت کند.

پایگاه اینترنتی «ویکی‌لیکس»، در اسنادی که در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) منتشر کرد، مدعی شد که: شرکت مخابرات ایران، شرکت سرمایه‌گذاری غدیر، پالایشگاه اصفهان، بانک پارسیان، صنایع پتروشیمی، معادن فلزات، بانک‌های صادرات، ملت و تجارت، صنایع دریائی صدرا، بانک سینا، تراکتورسازی تبریز و داروسازی جابر حیان، همگی، از جمله بنگاه‌های عظیم مالی- اقتصادی‌ای هستند که از سوی سپاه پاسداران خریداری شده‌اند. همچنین، بر اساس همین اسناد، بانک قوانین، بانک مهر، مؤسسه اعتباری نیروهای مسلح، مؤسسه انصارالمجاهدین، مؤسسه مالی و اعتباری ثامن‌الائمه و موحدین و عسگریه نیز از جمله دیگر مؤسسه‌های مالی- بانکی‌ای هستند که به سپاه پاسداران تعلق دارند.

افزون بر این‌ها، نقش فزاینده مافیای فرماندهان سپاه در امور اقتصادی کشور، یعنی روند دیگری که در هفته‌های اخیر توجه‌برانگیز بوده است، استفاده سپاه از نهادهای امنیتی خود برای «حل‌وفصل» مسائل اقتصادی و مقابله با «فساد مالی» است. از آنجائی که یکی از ریشه‌های اساسی فساد مالی گسترده و بی‌سابقه در تاریخ معاصر جامعه ما، عملکرد سپاه و فرماندهان آن و کارگزاران سیاسی این ارگان هستند، این عملکرد جدید سپاه را باید بخش دیگری از سیاست‌های این نهاد برای اعمال فشار به رقبای سیاسی-اقتصادی‌اش ارزیابی کرد.

یک روز پس از اعلام بازداشت علی رستگار سرخه‌ای، مدیرعامل سابق بانک ملت، از سوی «حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران»، سردار محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه، در گفت‌وگویی با «ایرنا»، با اشاره به این بازداشت گفت: «بخش اطلاعات سپاه پاسداران مسائل امنیتی، نفوذ و فسادهای اقتصادی را دنبال می‌کند و ماجرای دستگیری اخیر نیز تنها مربوط به مسائل حقوقی نیست، بلکه به فساد بزرگتری مربوط است که برخی سیاسیون نیز درگیر آن هستند.» واقعیت این است که، با وجود برخی کشمکش‌های موجود میان دولت روحانی و سپاه، از آنجائی که دولت کنونی هم در زمینه سیاست‌های راهبردی و کلانش بدون اجازه رهبر کاری انجام نمی‌دهد، نفوذ قاطع مافیای سپاه بر همه امور اقتصادی و سیاسی کشور همچنان و بیش‌ازپیش ادامه یافته است. ادامه سیاست‌های خصوصی‌سازی و سیاست «اقتصاد مقاومتی» خامنه‌ای هم بهانه‌ای شده است تا دامنه این حضور به‌طور مداوم گسترش یابد.

روزنامه لوموند، ۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵، در گزارشی که در آن به موضوع «مافیای» اقتصادی سپاه پاسداران در ایران پرداخته بود، از جمله نوشته بود: خصوصی‌سازی در ایران درحالی صورت‌گرفته که حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از فعالیت‌های اقتصادی در اختیار دولت بوده و اکنون سپاه بخش عمده‌ای از آن‌ها را صاحب شده است. اما مقامات سپاه این موضوعات را انکار می‌کنند.»

واقعیت این است که، فرماندهان سپاه در کنار دیگر سران و مقامات حکومت اسلامی، بخشی بزرگ از کلان‌سرمایه‌داری تجاری و بورژوازی ایران را تشکیل می‌دهند. بنابراین، منافع طبقاتی این نیرو با منافع اکثریت قاطع مردم جامعه ما خصوصا کارگران و محرومان جامعه در تضاد حاد طبقاتی قرار دارد. درک این اصل از آنجا اهمیت دارد که نشان می‌دهد ماهیت طبقاتی این حکومت آنچنان است که نمی‌توان به استحاله‌پذیری‌اش و حتی حرکت کردن جزئی آن به‌سمت به‌رسمیت شناختن حقوق مردم امید بست.

در چنین روندی، آنچه روشن است این است که امروز سپاه پاسداران و ارگان‌های امنیتی وابسته به‌آن، دارای آنچنان نفوذ سیاسی-مالی‌ای هستند که به‌راحتی می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در رویدادهای آینده کشور بازی کنند. اعمال سیاست‌های سرکوبگرانه و ماجراجویانه در منطقه است که تاکنون به‌بهانه‌های مختلف، ضربه‌هایی سنگین بر پیکر اقتصاد بیمار و اکثریت مردم ایران وارد کرد و به‌تشدید فقر و محرومیت میلیون‌ها شهروند جامعه ما منجر شده است.

### **ارتش حکومت اسلامی ایران در سال ۲۰۱۶، در رتبه ۲۳ جهان!**

مؤسسه «گلوبال فایرپاور» در آماری که اخیراً منتشر کرده اعلام کرده که ارتش ایران در رتبه ۲۳ جهان قرار گرفته است. در رتبه‌بندی ارتش‌های کشورهای مختلف عواملی همچون میزان هزینه‌های صرف شده برای تجهیز قوای نظامی، تعداد تجهیزات و ادوات در اختیار یگان، معیشت، تولید ناخالص داخلی، تعداد نظامیان، تعداد کشتی‌های جنگی و زیردریایی‌ها، تعداد هواپیماها و هلی‌کوپترها، تعداد تانک‌ها و نفربرها و شرایط جغرافیایی حاکم بر کشور مورد نظر و مواردی از این دست نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند و مؤسسه «گلوبال فایرپاور» نیز بر همین اساس کشورهای مختلف دنیا را در بعد نظامی رتبه‌بندی کرده؛ البته شرایط ایران در این رتبه‌بندی مقداری متفاوت است.

ایران یکی از کشورهای مهم و استراتژیک منطقه غرب آسیا می‌باشد که جمعیتی بالغ بر ۸۱ میلیون و ۸۲۴ هزار نفر دارد که ۴۷ میلیون نفر نیروی انسانی آماده به کار هستند که از این میان ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر هر ساله در این کشور به سن نظامی می‌رسند که ۵۴۵ هزار نفر از آن‌ها نیروهای حاضر در خطوط مقدم و ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر دیگر به عنوان نیروی ذخیره می‌باشند. ایران ۱ میلیون و ۶۴۸ هزار و ۱۹۵ کیلومتر مساحت دارد که ۸۸۰ کیلومتر آن خط آبی و ۵ هزار و ۸۹۴ کیلومتر از مرزهای ایران نیز مشترک است و این کشور ۲ هزار و ۴۴۰ کیلومتر خط ساحلی دارد.

کشور ایران به‌دلیل موقعیت خود یکی از مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین کشورهای منطقه است و به‌همین دلیل به ایران «دروازه آسیا» و یا «چهارراه جهان» اطلاق می‌شود؛ این کشور از شمال با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان، از شرق با افغانستان و پاکستان و از غرب با ترکیه و عراق همسایه است و همچنین از شمال به «دریای خزر» و از جنوب به «خلیج فارس» و «دریای عمان» محدود می‌شود، که دو منطقه نخست از مناطق مهم استخراج «نفت» و «گاز» در جهان هستند.

ایران، سالانه به‌طور میانگین ۶ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار برای بخش نظامی خود بودجه در نظر می‌گیرد که بخشی از این مبلغ را از طریق فروش نفت خود که قادر است روزانه ۳ میلیون و ۳۲۶ هزار بشکه تولید کند؛ تأمین می‌کند. کشور ایران از لحاظ ذخایر ارزی و طلا ۹۳ میلیارد و ۹۵۰ میلیون دلار ذخایر در اختیار دارد که از این ذخایر به همراه فروش نفت باعث افزایش توان نظامی ایران شده است و اکنون نیز بخش از توان نظامی خود را به‌جنگ داخلی سوریه و عراق اعزام کرده است. و در جنگ‌های معروف به «جنگ‌های نیابتی» نیز بسیار فعال است.

### **قرارگاه قدس سپاه و جنگ‌های نیابتی!**

قرارگاه قدس سپاه پاسداران، سال‌هاست که در کانون اظهارنظرهای مقامات نظامی و امنیتی حکومت اسلامی ایران است. مقامات و فرماندهان ارشد ایرانی می‌گویند عربستان قصد دارد حوزه مأموریت این قرارگاه را ناامن کند؛ جنوب شرقی ایران و...

بخش عملیات خارجی سپاه به فرماندهی سرلشکر پاسدار «قاسم سلیمانی» که نام او و سپاه قدس تحت فرماندهی‌اش با جنگ‌های عراق و سوریه و یمن تا تحولات لبنان و افغانستان و منازعات فلسطینی - اسرائیلی گره خورده است. بخشی از حوزه مأموریت قرارگاه قدس، با قرارگاه‌های نیروی دریایی ارتش و نیروی دریایی سپاه از نقطه مرزی گوادر در مرزهای پاکستان تا تنگه هرمز در خلیج فارس را در برمی‌گیرد. اما قرارگاه قدس جزئی از سپاه قدس نیست. این قرارگاه یکی از قرارگاه‌های عملیاتی نیروی زمینی سپاه پاسداران است. قرارگاه قدس یگان‌های نیروی زمینی سپاه در دو سپاه استانی سیستان و بلوچستان و هرمزگان را تحت امر دارد. عنوان رسمی این قرارگاه، قرارگاه قدس جنوب شرق است و این عبارت جنوب شرق، حوزه مأموریت آن را تعریف می‌کند. جنوب شرقی ایران و به‌طور خاص استان‌های سیستان و بلوچستان، و هرمزگان. قرارگاه قدس سپاه؛ خط مقدم جنگ‌های نیابتی از نگاه سران و مقامات حکومت اسلامی ایران، قرار دارد.

قرارگاه جنوب شرق نیروی زمینی ارتش نیز که در همین جغرافیا فعال است مأموریت مشترکی با قرارگاه قدس در دفاع از مرزهای شرقی دارد اما ارتش برخلاف سپاه در حوزه امنیت داخلی مأموریتی برایش تعریف نشده است.

بر اساس تقسیم کاری که آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده کل نیروهای مسلح حکومت اسلامی در دهه ۱۳۸۰ انجام داد خلیج فارس و تنگه هرمز به‌عنوان حوزه مأموریت و فعالیت سپاه تعیین شد و از تنگه هرمز تا نقطه مرزی گوادر با پاکستان در دریای عمان، محل مأموریت نیروی دریایی سپاه شد.

بر این اساس هر یک از نیروهای دریایی سپاه و ارتش قرارگاه‌های منطقه‌ای خاص خود را در خلیج فارس و دریای عمان تأسیس کرده‌اند. با توجه به فعالیت مشترک قرارگاه‌های دریایی و زمینی در دو استان سیستان و بلوچستان، و هرمزگان، قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در حوزه مأموریت خود در این دو استان به نوعی نیروی پشتیبان قرارگاه‌های دریایی نیز به‌شمار می‌رود.

در واقع در یک نبرد احتمالی و فرضی اگر قرار باشد قرارگاه‌های دریایی اولین خط درگیری باشند این قرارگاه قدس است که پس از آن‌ها اولین نبرد زمینی را انجام خواهد داد. با چنین پیش فرضی قرارگاه قدس از نقطه مرزی گوادر با پاکستان تا تنگه هرمز و انتهای مرزهای مشترک هرمزگان با فارس مأموریت دارد.

در اواخر اردیبهشت ۹۴، خامنه‌ای در سخنانی شدیدالحن با اشاره به ناآرامی‌های موجود در خاورمیانه هشدار داد که اگر دشمنان جنگ نیابتی را به مرزهای ایران بکشانند و اکنش تهران بسیار سخت خواهد بود.

از آن تاریخ تاکنون مقامات امنیتی و فرماندهان سپاه به‌تدریج مفهوم جنگ نیابتی را به‌تلاش‌های عربستان و برخی کشورهای عربی برای نا امن کردن مناطقی چون خوزستان، کردستان و سیستان و بلوچستان معنا کردند. در چنین فضائی، شمار بیش‌تری از مسؤولان حکومتی با وضوح بیش‌تری اعلام کرده‌اند که عربستان و برخی کشورهای دیگر در صدد برهم زدن امنیت جنوب شرقی ایران هستند.

سرتیپ محمد مارانی، فرمانده قرارگاه قدس در ابتدای شهریور ماه سال جاری مدعی شده بود اخبار دقیقی دارد که کشورهای عربی به‌خصوص عربستان سعودی و همچنین کشورهای غربی برای ایجاد ناامنی در مرزهای شرقی ایران تلاش می‌کنند. به‌گفته او، چهار گروه فعال ضد انقلاب تلاش کرده‌اند از مرزهای شرقی وارد کشور شده و در عمق کشور ناامنی ایجاد کنند.

پیش از این نیز شماری از مقام‌های عالی‌رتبه حکومت اسلامی از جمله علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، عربستان سعودی را به‌تلاش برای ایجاد ناامنی در جنوب شرقی ایران و ارسال سلاح و حمایت از گروه‌های تروریستی در این منطقه متهم کرده بودند.

محسن رضائی، فرمانده کل پیشین سپاه نیز در اواخر تیرماه مدعی شده بود که عربستان سعودی برای ناامن کردن مرزهای شرقی ایران یک پایگاه در بلوچستان پاکستان زده است.

در مهر ماه ۹۵، رئیس سازمان بسیج تأکیده کرده بود: «تکلیف ماست که برویم و بجنگیم!»

بنا بر گزارش خبرگزاری فارس، «محمد رضا نقدی» رئیس سازمان بسیج با حضور در مراسم سالگرد کشته شدن سرتیپ «حسین همدانی»، این مقام عالی‌رتبه سپاه پاسداران در جنگ سوریه، گفته بود که «منطق ما این است که بر هر مسلمانی واجب می‌شود که اگر کشور مسلمانی تحت اشغال در آمد برود و آن سرزمین اسلامی را آزاد کند.» او خاطر نشان کرد که فلسطین در دست «غاصبین» است و «تکلیف» ماست که برویم و «بجنگیم» چون این راه حق است.

نقدی حضور نیروهای ایرانی در سوریه را نیز این چنین توجیه کرد که «منطق ما بر اساس دفاع از حق است» و در پاسخ به افرادی که «بینش زیادی» در خصوص تحلیل این موضوع ندارند گفت «اگر در سوریه نجنگیم، به مرزهای کشورمان هجوم می‌آورند.» این‌گونه اظهارات از سوی مقامات نظامی و به‌ویژه خامنه‌ای و فرماندهان ارشد سپاه پاسداران به‌عنوان اصلی‌ترین مهره حکومت اسلامی در مداخلات منطقه‌ای، به کرات شنیده می‌شود.

حکومت‌های ایران و عربستان، در یک سال اخیر روزبه‌روز بر تنش بین خود افزوده‌اند و حالا این سؤال هم اندک‌اندک شنیده می‌شود که آیا نبردهای نیابتی ریاض و تهران ممکن است روزی به‌درگیری و جنگ مستقیم هم بین آن‌ها کشیده شود؟

### تلفات سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران در سوریه

خبرگزاری آناتولی ترکیه در تاریخ ۲۵/۰۵/۲۰۱۶، به نقل از رسانه‌های ایران نوشته بود، دست‌کم ۲۳ نفر از نیروها و شبه‌نظامیان سپاه پاسداران ایران که تحت عنوانی مانند «لشکر فاطمیون» و «لشکر زینبیون» در درگیری‌های سوریه شرکت دارند، طی دو هفته اخیر در مناطق مختلف این کشور کشته شدند. جنازه‌های این شبه‌نظامیان که اغلب شهروند پاکستان و افغانستان هستند، طی مراسمی در شهرهای مختلف ایران تشییع و به خاک سپرده شدند.

اسامی افراد مذکور عبارتند از: علیرضا رحیمی، سید مهدی موسوی، مرتضی دوران، محمدظاهر قاسمی، خداداد خاوری، علی‌جمعه حسینی، عبدالحسین اخلاقی، علی خان رضائی، سید طاهر حسینی، محمد هزاره، حسین توسلی، غلام‌عباس امیری، یدالله ساعی، رحمت‌الله عظیمی، محمدرضا مظفری، سید حسین موسوی، عبدالحسین محمدی، مصطفی مقدم، سلمان علی احمدی، محمد علی رضائی، کاظم رئیسی و سید اسد الله حسینی و محمدانور حسینی. گفتنی است تاکنون بیش از ۱۲۰۰ نفر از نیروهای ایرانی، افغان، پاکستانی وابسته به سپاه پاسداران ایران در درگیری‌های پنج سال گذشته سوریه کشته شده‌اند. این تلفات به‌سرعت در حال افزایش است و روزانه خبر تشییع جنازه تعدادی از آن‌ها در رسانه‌های ایران منتشر می‌شود.

### سپاه پاسداران عراق تشکیل شود

به گزارش مشرق، ۱۷ خرداد [جوزا] ۱۳۹۵، سردار محسن رفیق دوست فرمانده اسبق سپاه پاسداران با اشاره به تشکیل سپاه پاسداران عراق گفت: «اگر عراق بخواهد سپاه پاسداران تشکیل دهد ایران حاضر است تجربیات خود را در تشکیل سپاه پاسداران عراق به این کشور انتقال دهد.»

فرمانده اسبق سپاه پاسداران ادامه داد: «سپاه پاسداران ما یک الگوی بسیار خوب، موفق و امتحان داده در عرصه‌های بین‌المللی است و می‌تواند الگوی بسیار مناسبی برای کشورهای منطقه باشد.

سردار رفیق دوست در پایان خاطر نشان کرد: اگر سپاه پاسداران عراق تشکیل شود ما حاضریم با تمام توان به تشکیل آن کمک کنیم و تجربیات خود را به آن‌ها انتقال دهیم.»

البته حدود دو سال است که شبه‌نظامیان شیعه در عراق اعلام موجودیت کرده و گفته می‌شود فرماندهان سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران و در راس همه سردار «قاسم سلیمانی» در راس آن نیرو قرار دارند.

### آموزش نیروهای انصارالله یمن توسط سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران

تلویزیون العربیه، در فرودین ماه ۱۳۹۴، گزارشی را منتشر کرده است که نیروهای سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران، اعضای انصارالله یمن را در فرودگاهی نظامی در این کشور تحت آموزش خلبانی و استفاده از سلاح‌های سنگین قرار داده‌اند.

به گزارش **گروه بین الملل رویکرد**، گزارشگر شبکه تلویزیونی العربیه گفت: این شبکه تصاویری ویدیویی به دست آورده است که یکی از رزمنده‌های حوثی (انصارالله) در حال آموزش دیدن توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب ایران برای استفاده از هواپیماهای جنگی در یکی از پایگاه‌های نظامی یمن است. العربیه گفت: این امر تأیید کننده حمایت ایران از کودتاجیان حوثی (انصارالله) در یمن است.

ماریا شحاده، گزارشگر این شبکه در حالی که تصاویری از یک مرد جوان در حال سوار شدن به یک فروند جنگنده قدیمی با عبارت حک شده نیروی حوثی جمهوری یمن بر روی آن نمایش داده می‌شود گفت: «این تصاویر مربوط به یکی از پایگاه‌های نظامی قدیمی در یمن است.»

العربیه گفت: مشخص نیست که این تصویر چه زمانی ضبط شده است اما به نظر می‌رسد تأیید کننده حضور شمار زیادی از کارشناسان سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران برای آموزش نحوه استفاده از سلاح‌های سنگین انتقال یافته از ایران به یمن است به همین علت، موضع‌گیری ایران در رد حمله حوثی عربستان سعودی به مواضع حوثی‌ها در یمن و اظهارات محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران مبنی بر این که عملیات نظامی در یمن فقط منجر به افزایش آشوب و ویرانی می‌شود غیر مترقبه نبود.

این شبکه در ادامه اظهارات محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران را در این خصوص پخش کرد.

العربیه در ادامه گفت: مسؤولان یمنی و دیگر کشورهای عربی سال‌هاست که ایران را به آموزش دادن رزمندگان حوثی (انصارالله) متهم می‌کنند و می‌گویند این موضوع در هماهنگی با حزب‌الله لبنان صورت می‌گیرد. حزب‌الله لبنان نیز حمله عربستان به یمن را محکوم کرده است.

این شبکه افزود: علی عبدالله صالح رئیس جمهوری سابق یمن نیز در گذشته بارها ایران را به آموزش دادن حوثی‌ها (انصارالله) در زمینه نحوه استفاده از راکت و مین و سلاح‌های سنگین متهم کرده است.

در اکتوبر ۲۰۰۹، صنعا اعلام کرد یک کشتی ایرانی را که تسلیحات ضد تانک برای حوثی‌ها (انصارالله) حمل می‌کرد توقیف کرده است. علی عبدالله صالح اکنون موضع خود را تغییر داده و با آن‌ها متحد شده است. حوثی‌ها (انصارالله) پس از کنترل یافتن بر صنعا و گسترش نفوذشان در کنترل حکومت این کشور اعلام کردند با ایران متحد شده‌اند و ایران به سرعت آن‌ها را قادر ساخت تا محدوده تحت نفوذشان را هرچه بیشتر گسترش دهند اما حملات عربستان سعودی به یمن همه چیز را از بین برد.

### **سپاه پاسداران ایران؛ در امور داخلی مردم افغانستان دخالت می‌کند**

حکومت اسلامی ایران، به‌ویژه سپاه پاسداران آن، همواره کوشش کرده‌اند که در امور داخلی مردم افغانستان به‌طور مسقیم و آشکار دخالت‌های محسوس داشته باشند.

اما این دخالت‌های آشکار و واضح سپاه پاسداران ایران در امور داخلی افغانستان از دیدگاه دیپلوماسی و روابط سیاسی بین کشورها خلاف عرف و حقوق دیپلماتیک است.

به‌نوشته ژانس اسوشیتد پرس، سردار مسعود جزایری، یک مقام بلندپایه سپاه پاسداران، چندی پیش گفته است: «علامات و نشانه‌هایی وجود دارد که افغان‌ها عنقریب یک جبهه جدید را علیه نیروهای خارجی در افغانستان باز کنند.»



این تنها دخالتی نیست که سپاه پاسداران ایران در امور سیاسی افغانستان کرده است؛ بلکه بارها چنین دخالت‌های آشکار از سوی فرماندهان این ارگان تروریستی و حتی کشتن پناجویان افغان در مرزها افشا شده است. چندی پیش یکی از فرماندهان مخالف دولت افغانستان در ولایت هرات به نام «بصیر مالانی» به روند صلح پیوست و سلاح‌های خویش را بمقام‌های محلی سپرد.

«بصیر مالانی» در نشست خبری گفت: «چندی پیش مرا سپاه پاسداران ایران توسط یکی از دوستانم به ایران خواست، زمانی که من به آنجا رفتم، سپاه لیست ترور ۱۴ نفر را به من داد و برایم تجارت ۱۰۰ میلیون تومانی را نیز پیشنهاد کرد، اما قبول نکردم.»

او در ادامه گفت: «چند سال پیش نیز سپاه پاسداران ایران مرا در ارتباط به انجام حمله‌های انتحاری خواسته بود.» جامعه جهانی، همواره حکومت اسلامی ایران، به‌ویژه سپاه پاسداران را به ناامن ساختن، دادن اسلحه و بمب‌های مختلف برای مخالفان دولت افغانستان متهم می‌کنند.

پولیس هرات نیز چندی قبل فردی را بازداشت کرد که او مدارکی به همراه داشت، که او برای سپاه پاسداران ایران جاسوسی می‌کند؛ بعداً این فرد متهم به جاسوسی از سوی دادگاه هرات به ۱۵ سال زندان محکوم شد. بارها افشا شده است که نیروهای امنیتی افغان و نیروهای کمک‌کننده خارجی برای افغانستان، سلاح‌ها و مواد انفجاری را به‌دست آورده‌اند که ساخته شده ایران بوده است.

#### **فرماندار هلمند: ایران با طالبان تماس گرفته است**

فرماندار هلمند افغانستان، در گفت‌وگویی با «رادیو آزادی»، می‌گوید ایران با شبه‌نظامیان طالبان تماس برقرار کرده و در عین حال افزوده این گروه افراطی، «موشک‌های ساخت ایران» را به‌سوی نیروهای امنیتی پرتاب کرده است. حیات‌الله حیات، فرماندار هلمند، چهارم بهمن [دلو] ۹۵، به‌بخش افغانستان رادیو اروپای آزاد- رادیو آزادی گفته بر اساس گزارش‌های اطلاعاتی، دیداری میان مقام‌های ایران و مقام‌های طالبان در «گرمسیر» صورت گرفته است ولی تحقیقات در مورد موضوع این دیدار همچنان جریان دارد.

گرمسیر و سنگین در استان هلمند، از جمله، در ماه جاری مرکز درگیری‌های شدیدی میان نیروهای امنیتی افغانستان و شبه‌نظامیان گروه طالبان بودند.

فرماندار استان هلمند، به رادیو آزادی گفته است در درگیری‌های اخیر این استان، «موشک‌های ساخت ایران» پیدا شده است که از طرف شبه‌نظامیان شورشی پرتاب شده بودند.

او گفته است: «از جمله ده‌ها موشکی که بر مقر ولایت هلمند پرتاب شده‌اند شماری از آن‌ها منفجر نشده مانده و به وضوح نشان ساخت ایران در آن‌ها دیده می‌شود.»

حیات در مصاحبه خود با رادیو آزادی، این احتمال را مطرح کرده که یکی از دلایل اصلی «افزایش مداخله ایران، در کنار مداخله پاکستان» در اوضاع افغانستان، موضوع آب هلمند است.

ایران، افغانستان را به‌عمل نکردن به‌تعهدات خود در مورد حقایق ایران از رود هیرمند که به تالاب هامون می‌ریزد متهم کرده است. مقام‌های کابل این اتهام را رد کرده‌اند.

مقام‌های حکومت اسلامی ایران، واکنشی به‌گفته‌های فرماندار هلمند نشان نداده‌اند. ولایت هلمند در جنوب افغانستان قرار دارد و بزرگترین ولایت این کشور است.

## شانزده نهاد اطلاعاتی

وزارت اطلاعات حکومت اسلامی ایران، در یک اقدام غیرمنتظره، ویژه نامه‌ای ۲۰۰ صفحه‌ای به‌عنوان ضمیمه روزنامه همشهری منتشر کرده است. این ویژه‌نامه با تیتر یک «۳۰ سال مجاهدت‌های خاموش» به‌بررسی کارنامه این نهاد امنیتی در سه دهه گذشته پرداخته بود.

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه در یک گزارش جالب توجه به‌بررسی وضعیت دبیرخانه شورای هماهنگی اطلاعات ایران پرداخته و از فعالیت ۱۶ نهاد اطلاعاتی در ایران خبر داده است.

در متن این گزارش، تنها به نام ۵ نهاد اطلاعاتی اشاره شده است: «وزارت اطلاعات به‌عنوان تشکیلات اصلی و مادر، واحد اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، واحد اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران، واحد اطلاعات نیروی انتظامی و حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران.»

واحد اطلاعات سپاه پاسداران در مهرماه سال ۸۸ با تصویب رهبر حکومت اسلامی به‌سازمان اطلاعات سپاه ارتقا پیدا کرد و به‌عنوان قوی‌ترین نهاد اطلاعاتی ایران شناخته می‌شود. این ارگان در طول سال‌های گذشته، در برخوردهای امنیتی با مخالفان حکومت اسلامی مهم‌ترین نقش را بر عهده داشته است. تیرماه سال ۹۰ فرمانده سپاه اعلام کرد این نهاد امنیتی به‌عنوان ضابط دستگاه قضائی تعیین شده است.

ضمیمه‌ای که توسط گزارش خبرگزاری فارس منتشر شده، اسامی ۴ نهادهای اطلاعاتی دیگر هم دیده می‌شود: «دفتر عمومی حفاظت اطلاعات فرماندهی کل قوا (که مسؤول آن مستقیماً توسط آیت‌الله خامنه‌ای منصوب می‌شود)، سازمان حفاظت اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح، پولیس امنیت عمومی (موسوم به پاوا که وابسته به نیروی انتظامی است) و سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع ایران.»

در این گزارش، به‌نام نهادهای اطلاعاتی مانند «حفاظت اطلاعات قوه قضائیه» و «سازمان حراست کل کشور» و «سازمان پدافند غیرعامل» اشاره نشده است. در زیر مجموعه نهادهای اطلاعاتی سپاه و نیروی انتظامی، نهادهایی چون «حفاظت اطلاعات بسیج»، «حفاظت اطلاعات سپاه قدس»، «مرکز بررسی جرائم سازمان یافته سپاه» و «پولیس فتا» نیز از تشکیلات خاص و اختیارات گسترده‌ای برخوردار هستند. به‌این فهرست می‌توان «دفتر بازرسی رهبر جمهوری اسلامی»، «دفتر بازرسی ریاست جمهوری»، «دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی» «دفتر نظارت استانی شورای نگهبان»، «معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور» و حتی نهادهایی چون «کمیته‌های قضائی و محرمانه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس»، «حفاظت و بازرسی مجمع تشخیص مصلحت نظام» و «حراست ریاست جمهوری» را نیز افزود که مأموریت‌های خاص اطلاعاتی و امنیتی دارند و تعداد واقعی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی فعال ایران را از ۱۶ نهاد نیز فراتر می‌برند.

ریاست شورا هماهنگی نهادهای اطلاعاتی ایران با وزیر اطلاعات است. محمود علوی، وزیر اطلاعات دولت روحانی، خبر از فراهم شدن مقدمات تشکیل جلسه شورای هماهنگی دستگاه اطلاعاتی داده بود و پایگاه اطلاع‌رسانی دولت روحانی، ۷ آبان سال ۹۲ خبر داده بود که نخستین جلسه این شورا با ریاست علوی برگزار شده است.

بر اساس گزارش خبرگزاری فارس، این شورا مسؤلیت هماهنگی میان یگان‌های اطلاعاتی مختلف موجود در دستگاه‌های اطلاعاتی امنیتی ایران را بر عهده دارد و جهت هماهنگی امور اجرائی، شورائی متشکل از وزیر اطلاعات، دادستان کل کشور، وزیر کشور یا نماینده تام‌الاختیار او، مسؤول حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران، مسؤول واحد اطلاعات سپاه پاسداران، مسؤول حفاظت اطلاعات ارتش، مسؤول واحد اطلاعات ارتش، وزیر امور خارجه یا نماینده تام‌الاختیار او و مسؤول حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی در آن حضور دارند.

موجودیت این شورا از لحاظ تاریخی به قانون تأسیس وزارت اطلاعات حکومت اسلامی باز می‌گردد که مردادماه سال ۶۲ تصویب شده و بر اساس گزارش فارس طی یک‌سال اخیر جلسات منظمی داشته و «اقدام به تهیه برآوردهای اطلاعاتی- امنیتی مشترک در موضوعات مختلف کرده است ... از مهمترین اقدامات یکسال گذشته این شورا برآورد آسیب‌ها و تهدیدات حوزه فضای مجازی، برآورد وضعیت امنیتی مناطق مختلف کشور، برآورد تهدیدات اطلاعاتی در کشور بوده است.»

علی یونسی، مشاور حسن روحانی در یک سال گذشته دو بار به‌عدم تسلط وزیر اطلاعات ایران بر دستگاه اطلاعاتی سخن گفته است. تشکیل جلسات شورای هماهنگی می‌تواند تلاشی در راستای افزایش اقتدار محمود علوی، ارزیابی شود.

از سوی دیگر، تأکید بر هماهنگی اطلاعاتی بین دستگاه‌های مختلف امنیتی ایران از این‌رو قابل توجه است که اختلاف بین نهادهای امنیتی در طول سه دهه گذشته، همواره به‌عنوان یک مسأله چالش‌زا مطرح بوده است.

اکبر هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطرات سال ۶۶، خاطرات ۱۱ آبان به‌این ماجرا اشاره کرده است: «آقای ری‌شهری» (وزیر اطلاعات) آمد. از وجود مراکز اطلاعاتی در سپاه، وزارت کشور، ارتش و کمیته گله داشت که مانع تمرکز اطلاعات است و نیز از مسائل داخلی سپاه گفت و پیشنهاد داشت وزارت اطلاعات به صورت سازمان در آید و زیر نظر رئیس دیوان عالی کشور (قوه قضائیه) باشد.»

او همچنین در خاطرات روزهای ۵ اردیبهشت، ۱۷ تیر، ۲۲ شهریور، ۱۹ مهر، ۸ آذر و ... به‌اوج‌گیری اختلاف بین وزارت اطلاعات و سپاه پرداخته است. دامنه اختلاف نظرهای این دو نهاد محدود به امور داخل کشور نبوده، هاشمی رفسنجانی در خاطرات ۶ اردیبهشت همان سال با اشاره به‌برگزاری جلسه سران قوا نوشته است: «فرماندهان سپاه و مسئولان وزارت اطلاعات آمدند و درباره حدود اختیارات و وظایف سپاه و وزارت اطلاعات در خصوص امور خارج از کشور گفت‌وگو شد؛ آنها اختلاف نظر دارند. قرار شد در جلسه بعد درباره آن تصمیم‌گیری شود.» اختلافات این دو نهاد عمده اطلاعاتی در سال ۶۷ هم ادامه پیدا می‌کند: «معاونان وزارت اطلاعات آمدند. درباره تمرکز امور اطلاعات و حذف حق کار اطلاعاتی از سایر نهادها گفتند.» (خاطرات ۱۹ شهریور سال ۶۷ اکبر هاشمی رفسنجانی)

۱۰ خرداد سال ۶۸ وزیر اطلاعات دوباره پیشنهاد تجمیع نهادهای اطلاعاتی را مطرح می‌کند: «آقای ری‌شهری آمد و گزارش‌های اطلاعاتی داد و پیشنهاد داشت در بازنگری قانون اساسی، وزارت اطلاعات زیرنظر رهبر باشد و یا سازمان شود که به مجلس برای تأیید نیاید.»

ری‌شهری ۲۹ شهریور امسال نیز در گفت و گو با فارس با توصیف وزارت اطلاعات آن دوران به یک دستگاه «هفت خط» که هر بخشی خطش را از یک نهاد می‌گرفته است، به‌این موضوع اشاره کرده است: «بنده در اواخر مسوولیتیم در وزارت اطلاعات به این نتیجه رسیدم که این مجموعه باید زیرنظر بالاترین مقامات نظام باشد ... حضرت امام (ره) هم این موضوع را پذیرفته بودند اما مسائلی پیش آمد که نمی‌خواهم باز کنم و نشد که این کار بشود و در حال حاضر نیز شرایطی وجود دارد که عملاً این امر محقق نمی‌شود.»

کشمکش‌های درونی در آن سال‌ها، در نهایت منجر به‌تصویب قانون متمرکز اطلاعات در ایران در مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران در سال ۶۸ و تقویت نقش محوری وزارت اطلاعات می‌شود.

در سال‌های بعد، در مجلس پنجم، برخی نمایندگان در پی اجرائی کردن این خواسته بودند. چنین زمزمه‌هایی همچنین چهار سال پیش نیز برخی نمایندگان تندروی مجلس هشتم پس از ماجرای برکناری وزیر اطلاعات ایران توسط احمدی‌نژاد اعلام کردند که به‌دنبال تشکیل سازمان اطلاعاتی هستند. تلاش‌هایی که کماکان ره به‌جائی نبرده است. علاوه

بر این، در مجلس ششم نیز نمایندگان اصلاح طلب طرحی برای افزایش اختیارات و قدرت وزارت اطلاعات تهیه کردند. بخش‌هایی از این طرح توسط نمایندگان مجلس هفتم، هم‌زمان با شروع به کار دولت احمدی‌نژاد مطرح شد. در آن زمان هم محمود احمدی‌نژاد و هم محسنی اژه‌ای، وزیر پیشنهادی از تلاش برای کاهش موازی کاری‌ها در دستگاه‌های اطلاعاتی سخن گفتند.

تاکنون هیچ‌کدام از چنین وعده‌ها و طرح‌هایی هیچ‌گاه عملاً محقق نشده و در طول بیش از سه دهه گذشته، داستان موازی کاری‌های نهادهای اطلاعاتی در ایران به‌قوت و شدت پیشین باقی مانده است.

علی یونسی، وزیر اطلاعات دولت خاتمی بهمن ۹۲ در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد با اشاره به همین موازی کاری‌ها گفته است: «بدون استثنا هر جایی که دیگران آمدند و وظیفه اصلی وزارت اطلاعات را انجام داده‌اند کار به‌درستی پیش نرفته و به‌عبارت دیگر کار را خراب کرده‌اند. موازی‌کاری در عمل فقط منجر به خراب‌کاری می‌شود.»

تنش‌های بین نهادهای اطلاعاتی در دوران خاتمی به ویژه پس از وقوع قتل‌های زنجیره‌ای توسط برخی اعضای وزارت اطلاعات ایران صورت گرفت و به تعبیر تندروها منجر به تضعیف قدرت این نهاد شد، منجر به رشد گسترده نهادهای اطلاعات موازی به ویژه اطلاعات سپاه پاسداران شد.

دامنه دخالت‌های سپاه در سال‌های اخیر مورد اشاره علی مطهری، نماینده تهران نیز قرار گرفته است. او ۲۱ خرداد امسال در جمع فعالان سیاسی گفت: «سپاه گاهی از حیطة وظایف خود خارج شده است. مثلاً سپاه نباید در کار وزارت اطلاعات دخالت کند.» سابقه اشارات مطهری به این موضوع طولانی است. او ۲۰ مرداد ۸۸ در نامه‌ای به حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان با اشاره به برخوردهای خونین نهادهای امنیتی پس از انتخابات ۸۸، نوشت: «وقتی ما مدیریت بحران اخیر را به‌دست افرادی مانند طائب (مسئول وقت اطلاعات سپاه) می‌دهیم که با باتوم بیشتر مانوس است تا فکر و عقل و تدبیر، نتیجه همین خواهد بود.»

در واکنش به چنین اتهاماتی، سردار شریف، سخنگوی سپاه در تیرماه ۹۱ در گفت‌وگو با سایت باشگاه خبرنگاران جوان، گفت: «با هیچ سازمان دیگری موازی‌کاری نداریم. در رسانه‌های معاند تلاش می‌شود که به‌افکار عمومی القا شود که یک سازمان امنیتی موازی با وزارت اطلاعات در سپاه وجود دارد. فقط ادعای دشمن است و واقعیت ندارد.» این تکذیب در حالی صورت گرفت که علی سعیدی، نماینده ولی فقیه در سپاه که خود روزگاری مسئول نهاد اطلاعاتی سپاه را بر عهده داشت، مرداد ۸۸ در گفت‌وگویی وجود فعالیت‌های موازی را تأیید کرده بود: «فعالیت اطلاعاتی سازمان سپاه يك کار موازی لازم است، که با هماهنگی طرفین و دستگاه‌های بالادستی صورت می‌گیرد و به‌هیچ عنوان کار موازی مضر نیست.»

۸ دی [جدی] ۱۳۹۵، سرتیپ پاسدار محمدحسین زیبایی‌نژاد معروف به حسین نجات، به‌سمت جانشین رئیس سازمان اطلاعات سپاه منصوب شد. سمتی که اگرچه در چارت سازمانی سپاه وجود داشته، اما به زحمت می‌توان در رسانه‌ها، ردپایی از اخبار مرتبط با آن پیدا کرد.

«سازمان اطلاعات سپاه»، در کنار «سازمان حفاظت اطلاعات سپاه» و «حفاظت سپاه»، تنها یکی از سه زیرمجموعه سپاه پاسداران است که به‌انجام وظایف اطلاعاتی - امنیتی می‌پردازد.

در هر صورت، اظهارنرهای این چنینی سران و مقامات حکومت اسلامی، از هر زاویه‌ای چه موافق و چه منتقد مطرح شود اما در عمل همه آن‌ها و همه جناح‌های حکومتی اسلامی، خواهان سرکوب شدید و بی‌رحمانه مخالفین در راستای حفظ حاکمیت خونین خود هستند!

## سپاه قدس و فرمانده آن «قاسم سلیمانی»

همزمان با تکذیب حضور سپاه قدس در سوریه و لبنان توسط وزارت خارجه، فرمانده این سپاه، بار دیگر این موضوع را تأیید کرد. قاسم سلیمانی می‌گوید: «حضور ما در لبنان و سوریه قدیمی و از دهه هشتاد بوده است.»

قاسم سلیمانی، مدت‌ها پیش در گفتگویی با شبکه خبری العربیه، گفته است: «حضور ما برای مشاوره ربطی به حوادث داخلی سوریه ندارد. ما برای مقابله با هر خطری که از طرف امریکا و اسرائیل، سوریه را تهدید می‌کند در این کشور حضور داریم.» او با تکرار سخنان تکذیب شده‌ی جعفری می‌افزاید «حضور ما در لبنان و سوریه قدیمی و از دهه هشتاد بوده و هدف و دلیل آن نیز علنی است.»

فرمانده سپاه قدس علت حضور نظامی نیروهای حکومت اسلامی در دو کشور یاد شده را کشور اسرائیل عنوان می‌کند که به ادعای او «در حال طراحی تجاوز به سوریه و لبنان و همچنین ایران است.» او ایالات متحد امریکا را پشتیبان این طرح معرفی می‌کند.

به‌نوشته العربیه، قاسم سلیمانی با اشاره به آنچه «خطر صهیونیست‌ها در آینده نزدیک» خوانده می‌گوید «سپاه قدس با چشمان باز مراقب اوضاع است و در لبنان، سوریه و ایران آماده است.»

فرمانده سپاه قدس با بیان این‌که حضور نظامی ایران در سوریه و لبنان «بر اساس توافق‌نامه دفاعی با سوریه» انجام شده می‌افزاید: «ما از این دو کشور مقاوم دفاع می‌کنیم. آن‌ها هم بر اساس توافقات در صورت تهدید یا حمله به ایران در کنار ما خواهند بود. بنا بر این حضور ما در سوریه و لبنان چیز جدیدی نیست.»

اسماعیل قانعی، جانشین فرمانده سپاه قدس، شاخه عملیات برون‌مرزی سپاه پاسداران، در گفتگویی با خبرگزاری اسپنا، گفته بود: «تا وقتی در سوریه نبودیم، کشتارهای مردم آن توسط معارضین زیاد بود، اما با حضور جمهوری اسلامی به طور فیزیکی و غیرفیزیکی جلوی کشتارهای بزرگ در سوریه گرفته شد.»

حکومت اسلامی و رسانه‌های سنگ تمام گذاشته تا پاسدار قاسم سلیمانی را به‌عنوان «متفکر اتاق جنگ»‌های خود اعلام کنند از این‌رو، همواره تلاش دارند او را «رازآلود» نشان دهند. شاید این هم یکی از شگردها و شیوه‌های «جنگ روانی» در حکومت اسلامی است.

علی خامنه‌ای سلیمانی را «شهید زنده» نامیده است. اما عنوانی که او خود را به آن ملقب می‌کند «سرباز صفر ولایت» است؛ که در عمل و گفتار نیز نشان داده که کاملاً پیرو آیت‌الله خامنه‌ای و سیاست‌های کلان حکومت اسلامی است.

بسیاری از کارشناسان سیاسی و نظامی بین‌المللی بر این عقیده‌اند که بخش عمده‌ای از نیروهای شبه‌نظامی در کشورهای منطقه از جمله سپاه بدر و بسیاری از گروه‌های زیر مجموعه حشد الشعبی عراق، شاخه نظامی حزب‌الله لبنان، جهاد اسلامی در نوار غزه و حوثی‌های یمن مورد حمایت مستقیم نظامی و آموزشی نیروی قدس هستند. خامنه‌ای حامی اصلی حزب‌الله به‌رهبری حسن نصرالله است و بسیاری از کارشناسان معتقدند که شاخه نظامی این گروه زیر نظر قاسم سلیمانی هدایت می‌شود.

قاسم سلیمانی، در بیش‌تر عملیات‌های سپاه در جنگ به عنوان فرمانده لشکر ثارالله حضور داشت زمانی که قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۶ فرمانده نیروی قدس، واحد برون‌مرزی سپاه پاسداران شد، این نیرو با آن‌که تشکیلش به زمان جنگ ایران و عراق باز می‌گشت، کم‌تر شناخته شده بود. پیش از آن برای سال‌ها و از زمان جنگ فرمانده لشکر ثارالله کرمان بود.

طرفداران او در ایران، از چهره‌های اصلاح‌طلب تا اصول‌گرا را در بر می‌گیرد، او را «قهرمان ملی» می‌دانند که جبهه دفاع از ایران را در خارج از مرزهای کشور فرماندهی می‌کند. در حالی که او یکی از چهره‌های کریه و

نفرت‌انگیز، خشونت‌طلب، جنگ‌طلب و سازمان‌ده سرکوب‌ها و ترورهای مخالفین و کمک به سازمان‌های تروریستی است و روباه مکاری بیش نیست!



### کشمکش بین قوه قضائیه و مجریه و سپاه پاسداران

خبری که اکنون به‌شدت توسط سران سپاه می‌شود این است که سه تن از معاونان ارشد حسین طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران، به‌تاهام «مفاسد کلان اقتصادی»، «کارچاق کنی»، «باج‌گیری از ثروتمندان و سرمایه‌داران» و «پولشویی» بازداشت شده‌اند.

به‌گزارش سایت اطلاع‌طلب «آمدنیوز»، ۲۴ دی ۱۳۹۵، به‌منقل از یک «مقام ارشد امنیتی» که این سایت هویت او را افشا نکرده این مقام به‌منابع خبری «آمدنیوز» اطلاع داده که سه تن از معاونان سازمان اطلاعات سپاه پاسداران به‌دلیل «مفاسد کلان اقتصادی»، «کارچاق کنی»، «باج‌گیری از ثروتمندان و سرمایه‌داران» و «پولشویی» بازداشت شده‌اند. در این گزارش، نام کامل سه تن ذکر نشده و تنها به‌نام‌های «محراب»، «عظیم» و «افشاری» بسنده شد و گفته شده که از هر سه معاونان ارشد «حسین طائب» رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران هستند که در مهرماه سال‌جاری پس از ورود قاچاق بزرگ مواد اولیه تهیه و تولید روغن نباتی و دخالت در قاچاق غیرقانونی این محموله به کشور بازداشت شده‌اند.

«آمدنیوز» با استناد به منبع خود افزود که در این میان «محراب» با سپردن وثیقه بیرون از زندان به‌سر می‌برد اما «عظیم» و «افشاری» هنوز در زندان هستند. گفته شده که این بازداشت‌ها توسط سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران صورت گرفته است.

گزارش شده که یکی از مأموریت‌های اصلی «محمدحسین زیبایی‌نژاد» ملقب به «سردار نجات» در سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، توقف فعالیت‌های اقتصادی این نهاد امنیتی بوده است.

این در حالی است که از سپاه پاسداران ایران به‌عنوان بزرگترین مؤسسه اقتصاد موازی در ایران نام برده می‌شود که پاسخ‌گوی هیچ‌کدام از قوای سه‌گانه این کشور نیست.

در این گزارش آمده که «زیبایی‌نژاد» که پیش‌تر فرمانده سپاه حفاظت از ولی‌امر بود و پس از آن از معاونت فرهنگی سپاه پاسداران به‌سازمان اطلاعات سپاه رفت، معتقد است که فعالیت‌های اقتصادی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران باعث رشد فزاینده بی‌قانونی، باج‌گیری، ناامنی اقتصادی و فساد مدیران و... در کشور شده و این فعالیت‌ها باید هر چه سریع‌تر متوقف شود.

انتصاب سردار «محمدحسین زیبایی‌نژاد» به سمت جانشین فرمانده سازمان اطلاعات سپاه پاسداران پس از آن صورت گرفت که «محراب»، «عظیم» و «افشاری» سه معاون ارشد «حسین طائب» به دلیل دست داشتن در مفاسد کلان اقتصادی متعدد بازداشت شدند.

از این گزارش چنین برداشت می‌شود که دستگیری این سه تن، پس از آن صورت گرفت که اقدامات مافیائی آنها به‌سوائی کشیده شده است.

اما اکنون حسین نجات، جانشین مدیر سازمان اطلاعات سپاه پاسداران ایران، «شایعات» مربوط به «دخالتهایی از اعضای این سازمان در مفاسد اقتصادی و دستگیری آنها» را تکذیب کرده و آن را «دروغ‌سازی برخی رسانه‌های وابسته به دشمن» توصیف کرده است.

به‌گزارش خبرگزاری فارس وابسته به سپاه، حسین نجات این موضوع را روز یکشنبه، ۲۶ دی ۱۳۹۵، در حاشیه بازدید از نمایشگاه توانمندی‌های اطلاعاتی مرکز مقابله با جرائم سازمان‌یافته اقتصادی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران اعلام کرد.

جانشین سازمان اطلاعات سپاه پاسداران اضافه کرد: «دروغ‌پردازی چند رسانه معلوم‌الحال طی چند روز اخیر، تلاشی از سوی عناصر مرتبط با متهمان دستگیر شده برای جلوگیری از روند رسیدگی قضائی است.»  
به‌نوشته فارس، سردار حسین نجات گفت: «فضاسازی عناصر معاند و برخی رسانه‌های ضد انقلاب و وابسته به سرویس‌های جاسوسی بیگانه علیه سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، ناشی از مقابله قاطع این سازمان با عناصر نفوذی و حلقه‌های اصلی فساد اقتصادی در کشور است.»

او افزود: «از آنجا که مقابله با جریان‌های جاسوسی که قصد نفوذ در ارکان قدرت نظام جمهوری اسلامی را دارند و برخورد با گروه‌های تروریستی که به‌دنبال ایجاد ناامنی در کشور هستند از اولویت‌های اصلی سازمان اطلاعات سپاه است، برخوردهای اخیر صورت گرفته با شبکه‌های فساد اقتصادی و برخی عناصر جاسوسی در حوزه فرهنگی و اجتماعی موجب به‌خطر افتادن و تقلای مفسدان و جاسوسان و فضاسازی رسانه‌های مرتبط با آنها علیه این سازمان شده است.»

این فرمانده سپاه پاسداران، بدون توضیح در مورد «این برخوردها» گفت: «در روزهای آتی خبرهای مهمی از برخورد با باندهای متخلف و بزرگ اقتصادی و شبکه‌های نفوذی مرتبط با سرویس‌های بیگانه به اطلاع مردم خواهد رسید.»

اما تا آنجا که به اوج‌گیری کشمکش روسای قوه قضائیه و مجریه برمی‌گردد؛ بنا به‌گزارش خبرگزاری کار ایران «ایلنا»؛ محمود صادقی، رئیس فراکسیون شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصادی و انضباط مالی در مجلس شورای اسلامی گفت: «آیت‌الله لاریجانی عالم و فقیه بوده و متوجه هستند که جمله‌های بنده پرسشی بوده و به‌صورت خبری بیان نشده که حاوی تهمت باشد.»

لغو سخنرانی مطهری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در مشهد، در واقع جرقه‌ای در انبار باروت بود و سخنان صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه نیز بیان‌کننده آن است که اعتراض‌های او به سران قوای دیگر فراتر از این موضوع است. او در سخنرانی روز خود، بحث حساب‌های بانکی را مطرح کرد، حساب‌هایی پیش‌تر برخی سایت‌های خبری مدعی شده بودند که ۶۳ حساب شخصی به‌اسم صادق لاریجانی وجود دارد و سالانه ۲۵۰ میلیارد تومان به این حساب‌ها به‌طور غیرقانونی واریز می‌شود. صادق لاریجانی این خبرها را هجمه‌ای علیه خود خواند و گفت که «یکی از نمایندگان فراکسیون امید در تریبون مجلس مستقیم به این شایعه‌سازی‌ها علیه رئیس قوه قضائیه» دامن زده است.



محمود صادقی در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی ایلنا(۱۳۹۵/۰۹/۰۴)، در واکنش به سخنان رئیس قوه قضائیه از روسای قوای مجریه و مقننه در خصوص لغو سخنرانی نایب رئیس مجلس به دستور دادستان مشهد و همچنین تکذیب شایعاتی درباره ۶۳ حساب بانکی قوه قضائیه اعلام کرد: آیت‌الله آملی لاریجانی در بخشی از سخنان امروزشان گفته‌اند که در مجلس به رئیس قوه قضائیه تهمت می‌زنند و رئیس مجلس سکوت می‌کنند و در بخشی دیگر گفته‌اند شایعه حساب‌های شخصی رئیس قوه قضائیه کذب محض است و اثبات دروغ بودن آن راحت و اسنادش نیز موجود است که مربوط به دوران روسای پیشین این قوه بوده که باید بگوئیم این‌که رئیس قوه قضائیه در مقام پاسخ‌گویی برآمده، باعث خوشحالی و قدمی رو به جلو است؛ چرا که به هر حال توضیحاتی در این باره داده‌اند.



### شیخ حسن روحانی رئیس قوه اجرایی و شیخ صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه

یک روز بعد از انتقاد شدید رئیس قوه قضائیه حکومت اسلامی ایران از دولت، حسن روحانی، رئیس جمهور، گفته است با «فرافکنی و بی‌تدبیری» نمی‌توان از منافع مردم دفاع کرد. او گفته دولتش حاضر است همه حساب‌هایش را شفاف کند، در مقابل انتظار می‌رود که حساب‌های قوه قضائیه نیز شفاف شود.

روحانی، در تویتر خود نوشته است: «دولت حاضر است با تشکیل سامانه‌ای، تمام دخل و خرج و حساب‌هایش را روشن کند و در مقابل انتظارست قوه قضائیه نیز همه حساب‌های خود را روشن نماید.»

در ادامه رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه ایران، بارها از هم انتقاد کرده‌اند. روز دوشنبه ۱۳ دی صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه ایران با لحنی تند به انتقاد مقام‌های دولتی از جمله رئیس جمهور ایران به‌روند رسیدگی به پرونده بابک زنجانی واکنش نشان داده و در پاسخ به سؤال حسن روحانی درباره سرنوشت پول‌های این پرونده پرسیده بود «پول‌های نهاد ریاست جمهوری کجا خرج می‌شود.»

همچنین از قول لاریجانی نقل شد که بابک زنجانی مدعی شده بوده که در انتخابات ۱۳۹۲ به‌ستاد حسن روحانی کمک مالی کرده است.

حسن روحانی امروز گفته است دولت، وزارت نفت و وزارت اطلاعات پیگیر پرونده بابک زنجانی بوده‌اند. روحانی گفته است: «موضع دولت همواره این بوده است که برای تکمیل پرونده رسیدگی، باید متهم در اختیار وزارت اطلاعات

قرار می‌گرفت که با کسب همه اطلاعات، پیگیری لازم در همه ابعاد صورت می‌پذیرفت و زمینه برای اقدام سریع و قاطع قضائی فراهم می‌شد.»

بابک زنجانی، به‌گفته خودش، در دوران سربازی به‌توصیه هاشمی رفسنجانی راننده نوربخش رئیس بانک مرکزی وقت شده و بازم به‌گفته زنجانی با فروش ارز بانک مرکزی در بازار آزاد به‌دستور نوربخش، ثروتی به‌دست آورد و در سال‌های تحریم‌های اقتصادی ایران، با حمایت دولت برای حکومت اسلامی پول‌شوئی کرده و در مدت کوتاهی صاحب چندین بانک و ده‌ها شرکت در کشورهای مختلف شده است. اکنون زنجانی در ایران و ساگرد او رضا ضراب در امریکا زندانی هستند.

حساب‌های بانکی قوه قضائیه، که روحانی امروز انتظار روشن شدن آن‌ها را مطرح کرده، در ماه‌های اخیر به‌عجالی سیاسی در ایران بدل شده است.

حسن روحانی هم در مصاحبه با تلویزیون ایران در پاسخ به‌پرسشی درباره «حقوق‌های نجومی» گفت «اگر این مسأله ابزار انتخاباتی شود البته نهضت ادامه دارد یعنی همین جور تا شب انتخابات این حقوق‌ها را ادامه می‌دهیم. عده‌ای می‌گویند املاک نجومی، عده‌ای می‌گویند حساب‌های نجومی، همین‌گونه ادامه می‌دهیم. این‌ها را باید حل و فصل کنیم.» اصطلاح «حساب‌های نجومی» در رسانه‌های ایران، اشاره به‌حقوق‌های ده‌ها میلیون تومانی مدیران دولت است. و هم قوه قضائیه برای این که بخشی از اموال به وثیقه گذاشته شده را در حساب‌های سپرده گذاشته و سود گرفته مورد انتقاد دولت بوده است. این بحث هم مطرح بوده که حساب‌ها به‌نام شخص صادق لاریجانی بوده، که وزیر اقتصاد و مقام‌های دیگر گفته‌اند این حساب‌های مجوزهای لازم «شرعی و قانونی» را داشته‌اند. و با اجازه خامنه‌ای باز شده‌اند.

بیش‌تر خبرهای منتشر شده درباره حساب‌های شخصی رئیس قوه قضائیه به‌سادگی و به‌روشنی این بود که «صادق لاریجانی، ماجرای ۶۳ حساب ۱۰۰۰ میلیاردی خود در قوه قضائیه را از سر باز کرده و گفته است که این مسأله مربوط به‌سال ۷۴ و مجوز رهبر حکومت اسلامی است.

رئیس قوه قضائیه روز چهارشنبه سوم آذر ۹۵، در سخنانی با دل‌خوری و تندی اشاره‌ای گذرا به‌حساب‌های خیرساز این قوه کرده و توضیح داده است: «این مسأله مربوط است به سال ۷۴ یعنی بیست و یک سال پیش. در زمان روسای سابق و اسبق قوه قضائیه با اجازه رهبری، اموال مربوط به‌قوه قضائیه به‌حسابی به‌نام قوه قضائیه واریز می‌شود و این‌که می‌گویند حساب شخصی است، صد درصد کذب است.»

اما داستان حساب‌های سال ۷۴ قوه قضائیه، چیزی غیر از سخنان رئیس دستگاه قضائی را نشان می‌دهد. ماجرای این حساب‌ها، ۲۴ مرداد سال ۷۷ در روزنامه‌ها با انتشار نامه محسن نوربخش، رئیس وقت بانک مرکزی، افشا شد.

او خبر داده بود بازرسان این مرکز در حین بازرسی کشف کرده‌اند مبلغ ۳/۵ میلیارد تومان از حساب دولتی وزارت دادگستری به حساب شخصی علی رازینی، رئیس دادگستری استان تهران، واریز شده است.

نوربخش در نامه‌ای به محمد خاتمی، رئیس دولت هفتم، نوشته بود که «ظاهراً در سال ۷۳ مقرر می‌شود برای کمک در امر معیشتی برخی قضات و کارکنان اداری وزارت دادگستری، از منافع بانکی مشروعی از مبالغی که به حساب آن‌ها واریز می‌شود، زیر نظر رئیس قوه قضائیه استفاده شود.»

نوربخش اضافه کرده بود با این مجوز، در سال ۷۴ «چهار حساب سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت هر کدام به‌مبلغ پنج میلیارد ریال به نام علی رازینی در بانک ملی شعبه کاخ دادگستری واریز می‌شود.»

بعدهتر در تاریخ ۲۲ اسفند سال ۷۵ نیز «۳۰ هزار فقره سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت به مبلغ ۱۵ میلیارد ریال به‌نام علی رازینی، نزد بانک ملی شعبه کاخ دادگستری ایجاد می‌شود.»

به‌نوشته رئیس بانک مرکزی، به‌جز این حساب‌ها، یک حساب جاری به‌شماره ۱۳۱۱۲ نیز به‌حساب رئیس دادگستری استان تهران افتتاح شده بود تا سود سپرده‌ها که تا پایان تیرماه آن سال، ۱/۵ میلیارد تومان برآورد شده بود، به‌آن حساب واریز شود.

این مورد آخر، شماره حسابی بود که بعد از رسانه‌ای شدن مشخص شد مردم مواردی از جمله پرداخت جریمه‌های استفاده از ماهواره را به‌همین شماره واریز می‌کردند.

نامه نوربخش به رئیس‌جمهور وقت، دقیقاً برعکس ادعای علی طیب‌نیا، وزیر اقتصاد دولت حسن روحانی، است که به‌تازگی در گفت‌وگویی در شبکه دوم تلویزیون گفت «حساب‌های قوه قضائیه با هماهنگی خزانه‌داری کل کشور و بانک مرکزی در سیستم بانکی کشور قرار گرفت.»

وقتی واکنش‌ها بالا گرفت، روزنامه کیهان و نشریه ارزش‌ها، گفت‌وگویی از «یک مقام مسؤول» قضائی منتشر کردند که هویت آن نامشخص بود و گفته بود که «برای انجام کارهای بر زمین مانده دادگستری و انبوه پرونده‌هایی که در انتظار رسیدگی می‌باشند و نیز ناکافی بودن اعتبارات، از ریاست قوه قضائیه کسب تکلیف شد و ایشان از رهبر معظم انقلاب درخواست کردند به دادگستری تهران اجازه دهند مبالغی از وجوه امانی را در بانک سرمایه‌گذاری کند و سود حاصل از آن را مصرف نماید و رهبر معظم انقلاب با این پیشنهاد موافقت کردند.»

او واریز شدن پول‌ها به‌حساب علی رازینی را به‌دلیل تعلق نگرفتن سود بانکی به شخصیت‌های حقوقی (هم‌چون دادگستری) عنوان کرده بود.

این گفت‌وگو کمی هم رنگ تهدید به‌خود گرفته بود و همان مقام مسؤول افراد و مطبوعاتی که موضوع حساب‌های دادگستری را پیگیری کرده بودند، از گزاره‌هایی معرفی کرده بود که با آن‌ها برخورد قضائی شده یا در انتظار برخورد قضائی هستند.

بانک مرکزی: دادگستری دروغ‌گو و متخلف است

بلافاصله پس از انتشار این مصاحبه، بانک مرکزی ایران اطلاعیه‌ای صادر و اظهارات آن مقام قضائی ناشناس را تکذیب کرد. این بانک اعلام کرد که درخواست بازگشائی این حساب‌ها از آیت‌الله خامنه‌ای، به‌طور مستقیم توسط شخص علی رازینی انجام شده است و با این‌که طبق توافق صورت گرفته می‌بایست حساب به نام دادگستری ایجاد شود؛ اما «در این خصوص رئیس دادگستری هیچ‌گونه مکاتبه‌ای با بانک مرکزی نداشته است.»

بانک مرکزی، با استناد به‌مواد قانونی تصریح کرده بود که این وجوه باید به خزانه عمومی واریز شود و متخلف مجرم است. وقتی کار به‌این‌جا رسید و هیچ‌کدام از مقام‌های قضائی به‌ویژه شخص آیت‌الله یزدی، رئیس وقت این قوه قدیمی برای پاسخ‌گویی برنداشتند، محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت، دستور تشکیل کمیته‌ای ویژه برای رسیدگی به‌ماجرای «با حفظ آبروی افراد» صادر کرد.

اما ظاهراً این آخرین تلاش نهادهای مسؤول درباره این حساب‌ها بود. بعد از آن تکلیف این کمیته، اعتراض‌ها و سرنوشت حساب‌های رئیس دادگستری روشن نشد. آن ماجرا در لابه‌لای خبرها و اتفاق‌های پشت سر هم آن روزهای ایران مانند ماجرای کمیته «قتل‌های زنجیره‌ای» خاتمی به‌تاریخ سپرده شد.

اما حالا ۱۸ سال بعد، تعداد آن پنج حساب و ۳۰ هزار فقره سرمایه‌گذاری علی رازینی، با سود ۱/۵ میلیارد تومان، به ۶۳ حساب بانکی به‌نام «صادق آملی لاریجانی» رئیس قوه قضائیه با سود سالانه ۲۵۰ میلیارد تومان رسیده است.

ریاست دستگاه قضا با تکیه به اذن آیت‌الله خامنه‌ای به این اقدام مشروعیت می‌دهد، اما در شرایطی که قانون در موضوع بحث بیت‌المال روشن است، آیا مجوز رهبر جمهوری اسلامی توجیه قانونی دارد؟

البته ناگفته نماند که امر و فتوای خامنه‌ای، بالاتر از قانون اساسی و هر قانون دیگر مدون ایران است. از این رو، هر فرمانی که از سوی خامنه‌ای صادر شود بلافاصله سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه آن را می‌پذیرند و هیچ‌کس، حتی جرات سوال کردن هم ندارد. به‌سادگی امر، امر «ملوکانه» و «مطلق» و بدون چون و چرا است. بازوی این قدرت نیز نهادهای اطلاعاتی - امنیتی و در راس همه سپاه پاسداران است!

### رقابت در مرجعیت شیعه!

سایت آمد نیوز، نوشته است: یکی از کارکنان دادگاه ویژه روحانیت، با ارسال نوشته‌ای برای «آمدنیوز»، از تأسیس معاونت سری «حوزه و مراجع تقلید» در وزارت اطلاعات پس از وفات امام خمینی پرده برداشته و نوشت: «این معاونت وظیفه شناسائی و پرونده‌سازی برای کنترل مراجع تقلید و همراهی آنان با آیت‌الله خامنه‌ای را بر عهده دارد». متن ارسالی این مقام امنیتی شاغل در دادگاه ویژه روحانیت را که به «شرط افشا نشدن نام» درخواست انتشار آنرا مطرح کرده، به‌شرح زیر است:

«بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، و مشخصاً، بعد از رحلت امام خمینی(ره)، روحانیت شیعه در ایران، وارد فاز جدیدی گردید؛ به‌طوری که سازمان‌های اطلاعاتی، برای کنترل مراجع تقلید مستقل و روحانیون غیر وابسته، دست به اقدامات گسترده‌ای زدند.

در سال ۱۳۶۸، بعد از وفات امام راحل، معاونتی سری، به‌نام «حوزه و مراجع تقلید» در وزارت اطلاعات تأسیس گشت؛ عمده فعالیت این معاونت شناسائی و تحت نظر گرفتن مراجع تقلید و روحانیون برجسته مستقل بود، تا در موقع لزوم، با پرونده سازی‌های مختلف بتواند، ایشان را کنترل کند؛ همچنین از مخالفت‌های احتمالی با رهبری جدید، ممانعت به عمل آورده شود!

با گذر زمان، و ظهور برخی دولت‌ها، شکاف میان دولت و نظام بالا گرفت؛ وزارت اطلاعات در موارد بسیاری در امور مربوط به‌تقابل نظام، مراجع و روحانیون مستقل ورود پیدا نمی‌کرد؛ و حاکمیت چاره این‌کار را در تقویت سازمان اطلاعات سپاه پاسداران دید، تا خلاء ناشی از عدم ورود وزارت اطلاعات، در این موارد را پر کند.

بعد از وفات آیت‌الله العظمی اراکی، نیروهای اطلاعاتی، تلاش بسیاری را در جهت فیلترینگ مرجعیت شیعی انجام دادند، که با نفوذ نیروهای اطلاعات سپاه در تمامی بیوت، این امر به تثبیت کامل رسید.

امروزه بی‌تی از بیوت مراجع تقلید را نمی‌توان یافت که یا مستقیماً توسط اطلاعات سپاه اداره نشود و یا نیرو یا نیروهائی نفوذی از این سازمان در آن بیوت به‌صورت کاملاً ناشناس، با آن سازمان، همکاری نداشته باشد.

پر واضح است، در این سیستم طراحی شده، توسط نیروهای اطلاعاتی، برای فیلتر کردن مرجعیت شیعی، اگر عالمی برجسته و مستقل، برای ادای تکلیف بخواهد بساط مرجعیت خویش را بگستراند، با برخورد شدید و پرونده‌سازی حاکمیت مواجه خواهد گردید!

یکی از این روحانیون برجسته و مستقل حوزه علمیه قم، که سابقه تدریس و انقلابی ایشان به بیش از پنجاه سال می‌رسد، حضرت آیت‌الله العظمی نکونام می‌باشد؛ با اعلام مرجعیت توسط ایشان، از سال ۱۳۸۶ تاکنون، شدیدترین حمله‌ها را به وی شاهد بوده‌ایم!

در سال ۱۳۸۶، ابتدا کتاب‌های فقهی این مرجع تقلید شیعه جمع‌آوری گردید، سپس مجوز مؤسسه و انتشارات منتسب به‌دفتر وی ابطال گردید. در سال ۱۳۹۰، بعد از چاپ رساله‌های توضیح المسائل، ایشان را به‌مدت یک هفته بازداشت کرده و دفتر وی را بسته اعلام می‌کنند، و تمامی رساله‌های عملیه وی را از سطح کشور جمع‌آوری می‌کنند. در سال

۱۳۹۳، با تثبیت مرجعیت آیت‌الله نکونام و خوف حاکمیت از قدرت گرفتن وی، در ۱۱ دی‌ماه دستور بازداشت ایشان را توسط دادگاه ویژه روحانیت صادر می‌کنند و چندی بعد تمامی کتب مجوزدار وی را از انبارهای کتب وی و از سراسر کشور جمع آوری می‌کنند. آیت‌الله نکونام، هم اکنون نیز با وجود بیماری‌های مختلف، در حال دادن تالوان، برای مرجعیت مستقل و غیر وابسته به حاکمیت می‌باشد.

باید به خدای متعال پناه برد و بدین نکته واقف بود که حوزه‌های علمیه شیعه صاحبی دارد در کمین، که همواره مراقب و مواظب آن بوده و هست و هیچ‌گاه به احدی اجازه دست درازی به حوزه‌های علمیه را نخواهد داد؛ حضرت حجت بن الحسن المهدی، امام عصر(عج)، تنها صاحب حوزه‌های علمیه شیعه است و تاریخ گواه این مطلب بوده و هست که روحانیت شیعه همواره دست رد بر سینه کسانی زده که نیت شوم کنترل روحانیت مستقل شیعه را در مخیله خویش می‌پروراندند.»

### پشت پرده ماجرای خصوصی‌سازی در ایران و سپاه پاسداران

خصوصی‌سازی و آنچه در ایران اجرای اصل ۴۴ نامیده می‌شود، با خصوصی‌سازی واقعی شناخته شده در سیستم سرمایه‌داری جهانی و کاهش تصدی‌گری دولت در امور اقتصادی هیچ نسبتی ندارد. آنچه که انجام می‌شود «انتقال سهام بخش آشکار دولت به بخش پنهان دولت» است.

خصوصی‌سازی که از دروان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی پس از پایان جنگ ایران و عراق شروع شد، کمتر حادثه‌ای همانند آنچه یکشنبه ۵ مهر ۱۳۸۸ در بورس تهران اتفاق افتاد، ماهیت واقعی این فرایند را در معرض دید مردم و کارشناسان قرار داده بود. در این روز در معامله‌ای که نیم ساعت به طول انجامید ۵۱ درصد سهام شرکت مخابرات ایران به ارزش ۸ میلیارد دالر به «کنسرسیوم اعتماد مبین» وابسته به سپاه پاسداران واگذار شد. بنابر گزارش‌های انتشار یافته، در معامله آن روز در بورس تهران، هیچ‌گونه رقابتی در کار نبوده و «کنسرسیوم پیشگامان کویر یزد»، تنها رقیب شرکت خریدار، چند ساعت قبل از معامله با نامه رئیس «سازمان خصوصی‌سازی»، از معامله کنار گذاشته شد.

«کنسرسیوم پیشگامان کویر یزد» خود را برای رقابت در خرید سهام مخابرات آماده کرده بود، اما به‌بهانه «فقدان صلاحیت امنیتی» از حضور آن جلوگیری شد. این در حالی است که گفته می‌شود صلاحیت این شرکت در پروسه‌ای چند ماهه از ابعاد مختلف اقتصادی، حقوقی و امنیتی، تأیید شده بود.

بنابر گزارش‌ها، برای این‌که سپاه پاسداران بتواند با بهای دل‌خواه و بدون هرگونه مانعی ۵۱ درصد سهام شرکت مخابرات را تصاحب کند، تنها رقیب این معامله تاریخی با «فشارهای پنهانی» کنار گذاشته می‌شود. علاوه بر این گفته می‌شود «کنسرسیوم اعتماد مبین» که ۵۱ درصد سهام مخابرات را خریده، توانایی تأمین یک و نیم میلیارد دالر پیش‌پرداخت این معامله را نداشته و ضمانت‌های قانونی لازم را نیز ارائه نداده است.

وب‌سایت خبری «آینده» در این باره نوشته است: «گفته می‌شود گروهی از عناصر ذی‌نفوذ در این نهاد(سپاه) قصد دارند، ادعاهای بستانکاری شرکت‌های اقتصادی وابسته به سپاه مانند قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء و... را به‌عنوان مطالبات سپاه از دولت تجمیع کرده و سپس از سازمان خصوصی‌سازی بخواهند به جای بخش عمده پیش پرداخت ۱۵۰۰ میلیارد تومانی(یک و نیم میلیارد دالری)، از این مبلغ استفاده کند.»

به‌نوشته وب‌سایت «آینده»، تلاش‌هایی در جریان است که «کنسرسیوم اعتماد مبین»، خریدار سهام مخابرات از دادن ضمانت‌نامه نیز معاف شود. همچنین ۸۰ درصد این معامله به صورت قسطی پرداخت می‌شود. یعنی بنیاد خریدار با استفاده از درآمد هنگفت شرکت مخابرات، اقساط آن را پرداخت خواهد کرد.

مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی حکومت اسلامی، بنیان اقتصاد ایران «دولتی» است و فعالیت بخش خصوصی تنها به‌عنوان مکمل و در شاخه‌های پائین‌دست پذیرفته می‌شود. در سال ۱۳۸۴، تفسیر جدیدی از این اصل توسط آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شد که فعالیت بخش خصوصی را در بخش‌های بالادستی و بنیانی اقتصاد مجاز اعلام می‌کرد. خامنه‌ای یک سال بعد تفسیر بند «ج» اصل ۴۴ را نیز به دولت ابلاغ کرد که براساس آن بخش خصوصی می‌توانست در بخش‌های کلان اقتصاد نیز حضور و فعالیت داشته باشد.

اما کارشناسان اقتصادی و سیاسی بر این عقیده‌اند آنچه که در این سال‌ها در عمل به‌اجرا درآمده قرابتی با «خصوصی‌سازی» ندارد و واحدهای دولتی عموماً به نهادهای دیگر حکومتی منتقل شده‌اند.

علی‌اکبر ناطق نوری رئیس پیشین مجلس و رئیس دفتر بازرسی آیت‌الله خامنه‌ای شهریور ۱۳۸۷ در سخنانی این نوع خصوصی‌سازی را «انتقال سهام بخش آشکار دولت به‌بخش پنهان دولت» نامیده بود.

ناطق نوری، گفته بود: «آقایان اعلام می‌کنند ظرف پنج دقیقه بخشی از سهام یک شرکت دولتی واگذار شد، وقتی جویا می‌شوید، می‌بینید یک دستگاه عمومی مانند صندوق بازنشستگی و سازمان تأمین اجتماعی آن هم از بودجه عمومی، سهام را خریداری کرده است.»

اما مؤسسات شبه‌دولتی مثل صندوق بازنشستگی و سازمان تأمین اجتماعی تنها خریداران شرکت‌های دولتی واگذار شده نبودند. بنا بر گزارش‌های روزنامه‌های ایران، حضور شرکت‌های وابسته به سپاه در فعالیت‌های اقتصادی در آن سال‌ها گسترش کم‌سابقه‌ای یافته است. بنا بر این گزارش‌ها، مجموعه‌های وابسته به سپاه پاسداران فعال‌ترین خریداران سهام در بورس تهران هستند.

واگذاری سهام مخابرات به‌مؤسسه وابسته به سپاه با انتقاد برخی نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس مواجه شد. آن‌ها این کار را مغایر با اصل ۴۴ قانون اساسی عنوان کردند. این انتقادها اما تازه نیست. پیش از این ناطق نوری و هاشمی رفسنجانی، اعضای اتاق بازرگانی ایران و بسیاری از اقتصاددانان از این روند انتقاد کرده‌اند، با این حال هیچ‌یک از این مخالفت‌ها تغییری در سمت‌وسو و ماهیت خصوصی‌سازی در ایران ایجاد نکرده است.

واقعیت این است که حکومت اسلامی ایران، در ادعاهای خود برای کاهش تصدی‌گری دولت در امور اقتصادی آشکارا دروغ می‌گوید و نظام حکومتی ایران هیچ‌گاه تن به «خصوصی‌سازی» مرسوم در دنیای واقعی سرمایه‌داری نداده است. آنچه هست رانت‌خواری، اختلاس، چپاول و... خصوصی‌سازی واقعی در نزد حکومت اسلامی، واگذار کردن بخشی از اقتصادی کشور به‌دستگاه‌های دیگر و بیش‌تر دستگاه‌های مخوف امنیتی با هدف راضی‌کردن سرمایه‌گذاران در ایران است.

سپاه قبل از خرید ۵۱ درصد سهام شرکت مخابرات، بانک مخصوص خود را تأسیس کرده بود. سپاه پاسداران، با در اختیار گرفتن بخش‌های حساسی چون گاز، نفت، مخابرات و بانک، امکانات مالی خود را گسترش و حکومت را تثبیت می‌کنند. شبیه این وضع را ما در برخی از کشورهای جهان از جمله کشورهای امریکای لاتین هم‌چون ونزوئلا شاهدیم. یعنی نظامیان و بخشی از حاکمیت به‌تدریج قدرت سیاسی و اقتصادی را قبضه می‌کنند.

این در حالی که چندی پیش نهان‌اندین، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع معادن ایران اعلام کرد که ۵۰ درصد واحدهای تولیدی ایران در حال ورشکستگی هستند. به عبارت دیگر ۵۰ درصد کارگران صنایع ایران، یا بیکار شده‌اند و یا دستمزدهای بخور و نمیر خود را ماه‌ها دیرتر دریافت می‌کنند.

موضوع دخالت سپاه و وزارت اطلاعات و امنیت و بسیج و غیره در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از دوره ریاست جمهوری علی اکبر هاشمی رفسنجانی آغاز شد و در دوره ریاست جمهوری خاتمی ادامه یافت اما در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد به اوج خود رسید و همان‌آهنگ نیز در دوره روحانی و تاکنون ادامه دارد.

در واقع خصوصی‌سازی در ایران، انتقال ثروت جامعه به سپاه پاسداران به‌عنوان نزدیکترین ارگان نظامی به‌مرکز قدرت سیاسی است که می‌تواند از موقعیت خود استفاده کند و از این شرایط به سود خود و برای برخورداری از رانت‌های موجود و سرکوب شدیدتر مخالفین حکومت بهره ببرد. یعنی سپاه در سرکوب اعتراضات و جنبش‌های اجتماعی - سیاسی در ایران، نه تنها حافظ بقای حاکمیت موجود است، بلکه مستقیماً از منافع خود نیز دفاع می‌کند و سرکوب‌هایش نیز وحشیانه‌تر است.

### واگذاری طرح‌های اصلی دولت ایران به بخش اقتصادی سپاه پاسداران

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح دولت حسن روحانی، در دی ماه ۹۵، اعلام کرد که هم‌اکنون «طرح‌های اصلی دولت در بخش‌های نفت، گاز، پتروشیمی، حمل و نقل، سدها، انتقال آب و حتی در حوزه مخابرات و آی‌تی» در اختیار قرارگاه خاتم‌الانبیاء، وابسته به سپاه پاسداران است.

قرار دادن همه طرح‌های اقتصادی دولت به سپاه پاسداران امری عادی تلقی می‌شود که تقریباً شامل همه طرح‌های اقتصادی کشور است به‌طوری که اکنون سپاه پاسداران به قدرت اول اقتصادی و نظامی کشور تبدیل شده است. سپاه پاسداران، در همه امور سیاسی و اقتصادی ایران دخالت می‌کند و قراردادهای منعقد دولت با شرکت‌های داخلی و خارجی که در آن دخیل نبوده اعتراض می‌کند تا جایی که برای دولت از کلمه باید لغو شود استفاده کند. حال با این قدرت اقتصادی و نظامی، مگر رقیبی برای گرفتن طرح‌های دولتی برای سپاه پاسداران می‌ماند رقیبان یا باید صحنه را ترک کنند یا این‌که برای بقا با سپاه پاسداران قرارداد منعقد نمایند.

وزیر دفاع طی بازدید خود از نمایشگاه «اقتدار سپاه در عرصه سازندگی» در تهران گفت «تا پایان امسال مسؤلیت بیش از ۵۰ طرح تأثیرگذار در اقتصاد ملی بر عهده قرارگاه خاتم‌الانبیاء گذاشته است.»

محمدباقر قالیباف، شهردار تهران از فرماندهان پیشین قرارگاه خاتم‌الانبیاء است، ساخت برخی پل‌ها و پروژه‌های عمرانی تهران نیز به این قرارگاه یا یکی از گروه‌های زیرمجموعه آن واگذار شده است.

«قرارگاه سازندگی قائم»، «قرارگاه سازندگی نوح»، «قرارگاه سازندگی کربلا» و «قرارگاه سازندگی کوثر»، از زیرمجموعه‌های «قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء» هستند. «قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء» یک سال پس از پایان جنگ، یعنی سال ۱۳۶۸ پس از درگذشت آیت‌الله خمینی و با دستور علی خامنه‌ای، جانشین خمینی تشکیل شد. این قرارگاه از زیرمجموعه‌های سپاه پاسداران محسوب و فرمانده آن از سوی فرمانده کل سپاه تعیین می‌شود. که نخستین فعالیت‌های اقتصادی این قرارگاه در دوران ریاست‌جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی آغاز شد.

علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در جریان بازدید از نمایشگاه «اقتدار سپاه در عرصه سازندگی»، تعداد افرادی را که به‌طور مستقیم در پروژه‌های قرارگاه مشغول کار هستند، «حدود ۱۶۰ هزار نفر» اعلام کرد.



قرارگاه خاتم‌الانبیاء فعالیت خود را فقط در یک زمینه محدود نمی‌کند و این قرارگاه علاوه به پروژه‌های بزرگ، طرح‌های کوچک اقتصادی را نیز در دست می‌گیرد: از پروژه «اتوبان صدر» در تهران و «فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی» گرفته تا «سد گتوند» و اتوبان «حرم تا حرم».

عبدالله عبداللہی، فرمانده کنونی این قرارگاه به‌تازگی و پس از تجدید قرارداد میان ایران و کره جنوبی درباره ساخت ۱۰ کشتی، گفت که حسن روحانی باید این قرارداد را لغو کند.

در آخر قرارگاه خاتم‌الانبیاء با قدرت و سرمایه‌ای که در اختیار دارد و بنا به قانون معاملات دولتی، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی دارای شرایط و امتیازات ویژه‌ای نسبت به سایر شرکت‌ها و سازمان‌های خصوصی در مناقصات و مزایده‌ها هستند با عنایت به تسهیلاتی که سپاه پاسداران در امورات گمرکی، مالیاتی، ... از آن بهره می‌برد قرارگاه خاتم‌الانبیاء و قرارگاه‌های وابسته را تبدیل به بنگاهی کاملاً بی‌رقیب در این عرصه نموده است با این وجود راه برای سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی بسته شده و قادر به رقابت با سپاه پاسداران نخواهند بود. این امر سپاه پاسداران را تبدیل به قدرت بزرگ اقتصادی و نظامی کرده است.

مجتمع قرب یکی از بزرگترین مجموعه‌های اقتصادی ایران است که ریاست هیات مدیره آن را فرمانده سپاه بر عهده دارد. از زمان روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، سپاه قرارداد توسعه فاز پانزدهم و شانزدهم میدان نفتی فارس جنوبی و قرارداد مشارکت در کشیدن خط لوله گاز به پاکستان و هند را مانند صدها قرارداد دیگر، بدون شرکت در مناقصه به دست آورد. بهره‌گیری شرکت‌های وابسته به سپاه از سرمایه بانک‌های دولتی، معافیت‌های مالیاتی و رانت اطلاعاتی به آنها امکان می‌دهد، در صورت شرکت در مناقصه‌ها نیز توان رقابت را از بخش واقعا خصوصی بگیرند. سپاه پیش‌تر نیز در عرصه‌های متفاوتی فعال بوده، دولت نهم بستن قراردادهایی را برای سپاه ممکن کرد که ارزش برخی از آنها بیش از ۸ میلیارد دالر بود.

دولت حسن روحانی در یک سال گذشته بر سر مسائلی همچون «اختلاس» در صندوق ذخیره فرهنگیان، «حقوق‌های نجومی»، نتیجه مذاکرت هسته‌ای، پرونده بابک زنجانی و برخی سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی خود تحت فشار بوده است و اکنون نیز هر چه به انتیابت ریاست جمهوری نزدیک‌تر می‌شوند این کشمکش‌ها بین جناح‌های حکومتی اوج بیشتری به‌خود می‌گیرد.

نایب رئیس اول کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ایران، با انتقاد از عملکرد دولت حسن روحانی گفت در این دولت «۳۴ هزار میلیارد تومان درآمد حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی گم» شده است.

ناصر موسوی لارگانی روز چهارشنبه، ۲۹ دی ۹۵، در گفت‌وگو با وبسایت محلی «آرمان کرمان» اظهار کرد که دولت یازدهم در سال ۱۳۹۵ از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی ۸۰ هزار میلیارد تومان درآمد داشته است.

به‌گفته این نماینده مجلس، دولت از محل این افزایش، ۴۱ هزار میلیارد تومان را صرف پرداخت یارانه‌های نقدی کرده و پنج هزار میلیارد تومان دیگر را به وزارت بهداشت اختصاص داد.

این نماینده مجلس ادامه داد که از سرنوشت مابقی این درآمد که رقمی معادل ۳۴ هزار میلیارد تومان است، اطلاعی در دست نیست.

به‌گفته موسوی لارگانی، دولت یازدهم این مبلغ را به خزانه واریز نکرده و «مشخص نیست که این مبلغ کجا هزینه شده است.» او همچنین افزود که «این موضوع یک مقدار جای سؤال دارد که این اضافه درآمد کجا هزینه شده است.»

نایب رئیس اول کمیسیون اقتصادی مجلس در بخش دیگری از سخنان خود، از نحوه عملکرد دولت در برخورد با فساد اقتصادی در ایران نیز انتقاد کرد و گفت که دولت یازدهم مشغول «تخریب» دولت محمود احمدی‌نژاد است.

این نماینده مجلس رقم «اختلاس» در صندوق ذخیره فرهنگیان را ۱۲ هزار میلیارد تومان دانست و از دولت پرسید: چطور از کنار این رقم بزرگ، چنین ساده می‌گذرند؟»

موسوی لاریجانی، همچنین گفت که بابک زنجانی به ستاد انتخاباتی حسن روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۲، کمک مالی کرده است.

صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه، ضمن انتقاد شدید از سخنان حسن روحانی و اقدامات دولت در پرونده بابک زنجانی، تهدید کرده است که «بابک زنجانی به ستاد حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲، کمک مالی کرده» و افراد «مرتبط» با این موضوع احضار می‌شوند و اگر لازم شد، بازداشت خواهند شد.

رئیس قوه قضائیه، همچنین دولت حسن روحانی را متهم کرد که «تجهیزات بسیار فنی امنیتی» را «بدون اطلاع نیروهای امنیتی» در نهاد ریاست جمهوری مستقر کرده است.

به گزارش خبرگزاری فارس، آیت الله لاریجانی روز دوشنبه ۱۳ دی، با تأکید بر این که اولین اقدام قوه قضائیه در پرونده بابک زنجانی جلوگیری از فرار وی از ایران بود، به طور تلویحی مقامات وزارت نفت را متهم کرد که در آغاز رسیدگی به این پرونده «مستندات کافی در مورد او به قوه قضائیه نداده بودند.»

او اضافه کرد: «بابک زنجانی گفته که میلیاردها تومان به انتخابات رئیس‌جمهور کمک کرده است؛ ما سخنان او را عین واقع نمی‌دانیم و ایشان حرف زیاد می‌زند و ادعا زیاد می‌کند و الا اگر می‌خواستیم رسیدگی کنیم باید همه کسانی که مرتبط بودند احضار می‌کردیم.»

رئیس قوه قضائیه گفت: «نمی‌خواستیم حاشیه‌های فوق متن را باز کنیم ... حالا می‌فرمائید پشت پرده‌ها را دنبال کنیم؛ حرفی نداریم؛ تمام کسانی که ایشان در همین رابطه گفته است احضار می‌کنیم و اگر لازم شد بازداشت می‌کنیم تا معلوم شود قضیه چه بوده است.»

در کیفرخواست دادستان، زنجانی متهم شده است که از مبلغ دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون یورو که موظف بوده به شرکت نفت پرداخت کند، «۱۶۰ میلیون یورو پرداخت کرده و مابقی را صرف امور شخصی کرده است.»

### رابطه سپاه و دولت امنیتی شیخ حسن روحانی

حسن روحانی در ۲۵ شهریور ۱۳۹۲، در بیستمین مجمع سراسری فرماندهان و مسؤولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، درباره نگاه خود به سپاه گفته بود: «سپاه پاسداران مافوق و ورای جریانات سیاسی است نه در کنار و داخل جریانات سیاسی. سپاه جایگاهی برتر دارد که جایگاه کل ملت است، پس همه مردم سپاه را باید دژ و پناه خود یابند.»

روحانی با بیان این که «شرایط حساسی برای ایران و منطقه وجود دارد»، افزوده بود: «اهل تعارف نیستیم و حرف‌هایم از دلم بر می‌آید و معتقدم آن نیروئی که امروز در خط مقدم در برابر تمام توطئه‌ها ایستاده و باید بایستد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.»

رئیس‌جمهور در ادامه با اشاره به این که «شایعاتی را که راجع به سپاه مطرح می‌شود اصلاً قبول ندارم»، گفت: «می‌خواهند سپاه را رقیب مردم قرار دهند اما سپاه رقیب مردم و بخش خصوصی نیست و پیمان‌کاری مثل پیمان‌کاران معمولی نیست و نبوده است. سپاه امروز باید پروژه‌های مهمی که بخش خصوصی توان آن را ندارد بر عهده بگیرد.»

او با طرح این موضوع که «امروز در شرایطی که اقتصاد ما هدف قرار گرفته است سپاه باید وارد عمل شود و سه - چهار پروژه بزرگ ملی را بر عهده بگیرد»، تأکید کرده بود: «سپاه شرایط کشور و دولت را به خوبی می‌داند چون ما کشوری هستیم که ۲/۵ میلیون بشکه نفت می‌فروختیم و امروز این رقم به کمتر یک میلیون بشکه رسیده است، پس سپاه

باید آستین را بالا بزند و بخشی از بار دولت را بر دوش بگیرد که البته بار نظام و مردم است و دولت هم خادم مردم است.»

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه دولت جز خادم مردم بودن شأن دیگری برای خود قائل نیست، خاطرنشان کرد: سپاه همچنین توانمند است که در بحث مبارزه با فساد وارد شود و در مسأله قاچاق کالا می‌تواند در کنار نیروی انتظامی و اطلاعات مفید باشد چون شرایط به نحوی است که سپاه باید کمک کند تا جلوی قاچاق کالا گرفته شود. از سوی دیگر، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور نیز سخنانی مشابه زده است. نوبخت با اشاره به ایفای نقش قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) در عرصه سازندگی کشور، گفته است: «کسانی که ندانند و یا مغرض باشند و تصور کنند پتانسیل بزرگ قرارگاه که بعد از دوران دفاع مقدس در خدمت توسعه کشور قرار گرفت رقیب بخش خصوصی است، یا ناآگاهند یا مغرض و می‌خواهند تحریک کنند.» او گفت: «بنده به‌عنوان مسؤل برنامه‌ریزی کشور با آگاهی عرض می‌کنم به هیچ‌وجه قرارگاه رقیب بخش خصوصی نیست.»

### میزان بدهی‌های دولت را بیش از چهار برابر پیش‌بینی شده است!

وزیر اقتصاد دولت اسلامی روحانی، اعلام کرد رقم بدهی‌های دولت بیش از چهار برابر میزان پیش‌بینی شده در آغاز تصدی اوست و پس از راه‌اندازی «دفتر بدهی‌های دولت» مشخص شده که این رقم ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار میلیارد تومان است.

به‌گزارش خبرگزاری ایسنا علی طیب‌نیا، روز یکشنبه ۲۶ دی ۱۳۹۵، در نشست اتاق بازرگانی گفت: «در ابتدا که بر سر کار آمده بودم با برآوردهای اولیه فکر می‌کردم بدهی دولت در حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است و وقتی این عدد را اعلام کردم پشیمان شدم، چون فکر کردم نکند مبالغه کرده باشم.» به‌گفته طیب‌نیا، با این حال پس از راه‌اندازی «دفتر بدهی‌های دولت» در وزارت اقتصاد، بدهی دولت و شرکت‌های دولتی در حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. او به‌زمان دقیق این بررسی انجام شده درباره بدهی‌های دولت اشاره‌ای نکرده است.

هیئت وزیران دولت روحانی، چهارم خرداد ۹۳ تصویب کرد که واحد سازمانی جداگانه‌ای در وزارت اقتصاد برای ثبت بدهی‌های دولت تشکیل شود و پس از آن اداره کلی در این وزارتخانه تشکیل شده است. در شهریور همان سال، علی طیب‌نیا خبر داد که «برای اولین بار» در وزارت امور اقتصادی و دارایی دفتری برای مدیریت، بررسی، رصد و تعیین میزان واقعی بدهی‌های دولت، و برنامه‌ریزی برای پرداخت آن ایجاد شده است. وزیر اقتصاد در آن زمان گفته بود که تلاش دارد دولت را به «بدهکاری خوش‌حساب» تبدیل کند. طیب‌نیا در سخنان خود در اتاق بازرگانی گفت که بدهی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی کشور «چندان بزرگ نیست و زیر ۴۰ درصد برآورد می‌شود.»

او تأکید کرد که نگرانی‌ها درباره بدهی‌های دولت به‌دلیل «نابه‌سامان بودن» آن است. پیش‌تر در اول دی ۹۴، طیب‌نیا آخرین رقم بدهی دولت و شرکت‌های دولتی را ۵۴۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرده بود که بیش از دو برابر رقم «۲۵۰ هزار میلیارد تومان» در پایان اردیبهشت ماه ۹۴ از سوی او برآورد شده بود. در حالی که محمود احمدی‌نژاد، در یکی از آخرین گفت‌وگوهای خود با تلویزیون دولتی ایران ادعا کرده بود که «تمام بدهی تاریخی دولت را صفر کرده است»، مدت کوتاهی پس از به‌قدرت رسیدن حسن روحانی، میزان بدهی دولت به بانک‌ها، بخش‌های خصوصی و پیمان‌کاران را بیش از ۱۸۰ هزار میلیارد تومان اعلام کردند.

دولت حسن روحانی در طول دو سال و نیم گذشته خود را متعهد به پرداخت بدهی‌های دولت به بانک‌ها اعلام کرده اما این اعداد و ارقام نشان می‌دهد که دولت در عمل نتوانسته این مهم را محقق کند. اما اکنون باز این بدهی‌ها را به‌گردن دولت احمدی‌نژاد انداخته است در حالی که چند ماه پیش‌تر از دولت ریاست جمهوری ۴ ساله روحانی باقی‌مانده است!

### افشای شبکه پول‌شوئی سپاه پاسداران در کشورهای عربی

یک شبکه پول‌شوئی در کشورهای عرب منطقه که گفته می‌شود برای سپاه پاسداران ایران کار می‌کرد، از سوی کشورهای بحرین و کویت کشف و در سال ۱۳۸۹ افشا شده است. یک وزیر دولت بحرین نیز در این شبکه شرکت داشت.

خبرگزاری المان در گزارشی از بحرین و کویت نوشته است، در کشورهای عربی زدوبندهای فسادآمیز اکثراً پرده‌پوشی می‌شود، اما اکنون مقام‌های دولتی بحرین و کویت یک باند پول‌شوئی را کشف و افشا کرده‌اند.

متهمان این شبکه فساد، سپاه پاسداران ایران، یک وزیر دولت بحرین، یک زن تاجر از کویت و شمار زیادی از دستیاران آن‌ها در کشورهایی چون کویت، مصر و سودان هستند. وزیر دولت بحرین هم‌اکنون از زندان آزاد شده، اما زن تاجر کویتی هنوز در بازداشت موقت و بازجویی به‌سر می‌برد.

رسانه‌های کویت روز سه‌شنبه ۲۳ سوم فروردین ۱۳۸۹، گزارش دادند که تحقیقات اولیه نشان می‌دهد «منصور بن رجب»، وزیر دولت بحرین و یکی از متهمان شبکه‌ی پول‌شوئی، تلاش داشته که یک چک ۶ میلیون یورویی متعلق به سپاه پاسداران ایران را نقد کند. قرار بود این وزیر ۳۰۰ هزار یورو از این پول را به‌عنوان پاداش برای خود بردارد. بنابر این گزارش یک برادر و خواهر تاجر کویتی نیز در این برنامه مشارکت داشتند، اما نقشه آن‌ها لو می‌رود و ناکام می‌ماند.

علت ناکام ماندن این طرح پول‌شوئی، خودداری بانک‌هایی در کویت، امارات متحده عربی و لبنان از تبدیل چک متعلق به سپاه پاسداران ایران بوده است. بنابر این گزارش، زمانی که یک تبعه مصری در تلاش بوده چک ۶ میلیون یورویی را در بانکی در بیروت نقد کند، سازمان اطلاعاتی لبنان متوجه ماجرا می‌شود.

هنوز منشأ اصلی پول‌ها روشن نیست. گفته می‌شود که سپاه پاسداران ایران این پول را از طریق تجارت مواد مخدر به‌دست آورده است. همچنین شایع است که «منصور بن رجب»، وزیر دولت بحرین جاسوس ایران است...

منصور بن رجب که در بازداشت به‌سر می‌برد اتهام‌های وارد شده علیه خود را رد می‌کند، با این حال حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین، روز دوشنبه ۲۲ مارس ۲۰۱۱ او را از مقام خود برکنار کرده بود.

### ایران دومین کشور مناسب پول‌شوئی در جهان است

وزیر خزانه‌داری آمریکا در نشست سالانه صندوق بین‌المللی پول، نسبت به فعالیت‌های مالی غیرمجاز در ایران و کمبود نظام نظارتی در این کشور هشدار داد. آیا اقتصاد زیرزمینی و مسیر گردش پول سیاه در ایران اساساً قابل کنترل است؟

جلسه سالانه صندوق بین‌المللی پول، روز یکشنبه ۴ اکتبر ۲۰۱۶ - ۱۲ مهر ۱۳۹۵ در شهر استانبول ترکیه برگزار شد و تیموتی گایتنر، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در بخش پایانی سخنرانی خود به مسأله پول‌شوئی در ایران و تأمین مالی تروریسم در این کشور اشاره کرد. گایتنر، همچنین خواستار اجرای تحریم‌های مالی مندرج در قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت علیه ایران شد. موضوع این قطعنامه، تحریم بانک‌های ایرانی، به‌ویژه بانک‌های ملی و صادرات است.

## مؤخره

نقش و جایگاه شاه و شیوخ در تاریخ جامعه ما، با نقش رهبر یا ولی فقیه در حکومت اسلامی، تفاوت چندانی ندارند. شاید تفاوت آن‌ها نه در افکار و ایدئولوژی ارتجاعی و خرافی، بلکه در پوشش آن‌ها می‌توان دید. اما هر دو، یعنی شاه و شیخ خود را نماینده و برگزیده ممتاز جامعه و «خدا» می‌دانند و در تفکر این‌ها، ملت باید به‌طور مطلق و چشم‌پسته و بدون سؤال از اوامر آن‌ها تبعیت کند.

به‌نظر من حکومت اسلامی ایران، یکی از حکومت‌های نادر جهان است که ظاهراً هم ضدامپریالیسم، یعنی صرفاً ضد امپریالیسم امریکا نه امپریالیسم روسیه و چین و...، نه مخالف ستم و استثمار سرمایه‌داری، بلکه یکی از حکومت‌های پوپولیست و مرتجع جهان و در عین حال، یکی از حافظان سفت و سخت سیستم سرمایه‌داری و استثمار شدید نیروی کار، دشمن درجه یک جنبش کارگری و آزادی‌اندیشه و بیان و تشکل مستقل و آزادی‌های فردی و جمعی و به‌طور کلی دشمن گرایش‌های ضد سرمایه‌داری و آزادی‌خواهانه و مساوات‌طلبانه است.

این حکومت، در جهت استثمار شدید نیروی کار و کسب سود بیش‌تر و همچنین تبلیغ و ترویج ایدئولوژی اسلامی خرافی خود، انواع کمتیه‌ها و نهادها مذهبی و اقتصادی رنگارنگی را به‌وجود آورده است تا با انحراف افکار عمومی، هم جیب مردم عوام را با گرفتن خمس و نکات و مال امام خالی کنند و هم نبض اقتصادی جامعه را در دست داشته باشد.

آستان‌های قدس، بنیادها (مستضعفان، شهید، علوی و...) و شرکت‌های تابعه آن‌ها، موقوفات (مالیاتی نمی‌پردازند)، اسکله‌های قاچاق سپاه، فعالیت‌های اقتصادی وزارت اطلاعات، پیمان‌کاری‌های سپاه (مجموعه شرکت‌ها و مؤسسات) زیر نظر رهبر سالانه ده‌ها هزار میلیارد تومان درآمد دارند.

سه قوه (مجلس و دولت هم با حکم حکومتی و پرونده‌سازی و نظارت استصوابی تحت نظر رهبر فعالیت می‌کنند)، شورای حل اختلاف میان سه قوه، تشکیلات دستگاه رهبری، جامعه و عاظم، جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین حوزه (این‌ها، به‌مثابه احزاب سیاسی هستند و زیر نظر خامنه‌ای فعالیت می‌کنند).

در حالی که خامنه‌ای نه تنها در مورد نهادهای غیر رسمی، بلکه در مورد نهادهای رسمی نیز به هیچ‌کس و هیچ نهادی پاسخگو نیست غیر از خدا؟! همچنین روسای نهادهای رسمی و غیررسمی او نیز به احدی غیر از خود خامنه‌ای پاسخگو نیستند.

ارگان‌های اطلاعاتی - امنیتی مانند وزارت اطلاعات، حفاظت اطلاعات سپاه و ارتش و نیروی انتظامی، شورای امنیت ملی، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه، حراست همه دستگاه‌های دولتی، پایگاه‌های بسیج در سراسر کشور؛ نیروهای چهارگانه ارتش (زمینی، هوایی، دریایی و پدافند) و سه گانه سپاه (زمینی، دریایی و هوایی)، نیروی انتظامی، سپاه قدس، و بسیج (تنها یک سپاه ۱۵ هزار نفری یعنی سپاه ولی امر گارد شخصی خامنه‌ای است)؛ شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ نهایتاً بخش سیاست‌های کلان اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی، مستقیماً در اختیار یا تحت نظر رهبر حکومت اسلامی هستند و بقیه دستگاه‌های حکومتی نقش فرعی دارند. به عبارت دیگر، حرف اول و آخر در سرنوشت کلی جامعه ایران را نه قانون و ادارات دولتی و خصوصی و قوای سه گانه و غیره را خامنه‌ای می‌زند و نقش مردم نیز هیچ جایگاهی در طرح‌ها و سیاست‌های رهبر ندارد.

هنگامی که مدیر مسؤلاً یک روزنامه (روزنامه کیهان) مستقیماً توسط رهبر تعیین می‌شود، مؤسسه مربوطه زیر نظر رهبر اداره می‌شود و خود آن روزنامه سیاست‌های رهبر را تبلیغ می‌کند، دیگر همه نهادهای حکومتی زیر نظر رهبر و نمایندگان اوست در نتیجه انتخابات و دولت و مجلس و قوه قضائیه و مقننه و اجرائیه کشک و عوام‌فریبانه است!

حکومت اسلامی ایران، در سطح بین‌المللی به‌عنوان حامی اول تروریسم، بسیاری از جنایات و عملیات تروریستی علیه شهروندان خود و مردم کشورهای منطقه و جهان، مرتکب شده است. تأسیس گروه‌های تروریستی در داخل و خارج، از جمله شبه‌نظامیان حزب‌الله در لبنان و شیعیان در عراق گرفته تا حزب‌الله حجاز و دیگر گروه‌های تروریستی در عربستان و کشورهای خلیج، تا ده‌ها گروه شبه‌نظامی و فرقه‌ای در عراق و سوریه و افغانستان، حوثی‌ها در یمن، از جمله فعالیت‌های تروریستی حکومت اسلامی ایران است. علاوه بر این، حمایت حکومت اسلامی ایران، از دیگر گروه‌های تروریستی مانند القاعده و طالبان از سال ۲۰۰۱، که هنوز هم تعدادی از رهبران القاعده را پناه داده، سندی محکم دال بر متنوع بودن پرونده فعالیت‌های تروریستی این حکومت و حمایتش از گروه‌های تروریستی شیعه و سنی و غیره است.

حکومت اسلامی ایران، از همان روزهای به‌قدرت رسیدنش در جهت سرکوب انقلاب مردم که برای آزادی و برابری و رفاه و عدالت بود به راه‌اندازی جنگ و کشتار داخل ایران و ترور مخالفین در داخل و خارج کشور؛ اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی، سرکوب سیمتاتیک زنان و برپائی آپارتاید جنسی و...، در عین حال به آموزش شبه‌نظامیان گروه‌های تروریستی اکتفا نکرده، بلکه از روز اول حکومتش، سلسله‌ای از عملیات آدم‌ربائی، بمب‌گذاری و ترور چه علیه حکومت‌های رقیب خود و چه مخالفین داخلی‌اش انجام داده است.

اما آن‌چه درباره وحشی‌گری‌های حکومت اسلامی ایران و ارگان‌های مخوفش مانند سپاه پاسداران گفته شد، به‌نظرم هنگامی که موج انقلابی مردم راه می‌افتد همه این نیروهای مخوف، مانند دوره انقلاب ۵۷ مردم ایران، خودشان را به در و دیوار می‌زنند و به‌دنبال سوراخ موش می‌گردند تا بلکه خود را نجات دهند: مانند گارد شاهنشاهی، ساواک حکومت شاه و...

اگر تاریخ دوران‌های سپری‌شده و جوامع بشری را مطالعه کنیم؛ این گذشته، صرفاً به‌حوزه‌های سیاسی محدود نیست، بلکه همه عرصه‌های تمدنی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و... که انسان، محور اصلی آن بوده است را در برمی‌گیرد؛ باید توجه کنیم که این حوزه‌ها، همواره در حال گسترش و گشودن افق‌های جدید بوده‌اند.

علم تاریخ، تولیدکننده قوانین عام و کلی نیست، بلکه از تئوری‌ها و دست‌آوردهای نظری علوم دیگر، از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علم سیاست، جغرافیا، اقتصاد، باستان‌شناسی و...، استفاده می‌کند و از نظریه‌ها و رهیافت‌های آن‌ها در جهت شناخت و تحلیل منطقی‌تر موضوعات خود بهره می‌جوید.

تاریخ هر عصر را پس از وقوع آن بهتر و دقیق‌تر می‌توان نگاهت، زیرا با فروکش نمودن التهاب‌های سیاسی و هیجان‌های به‌غلیان آمده از یکسو و انتشار گسترده اطلاعات، اسناد، مدارک و منابع مربوط به آن دوره از سوی دیگر، امکان شناخت منطقی‌تر و عمیق‌تر گذشته را بیش از پیش فراهم می‌آورد.

شاید این سؤال برای شما هم پیش آمده باشد که چرا حرکت زمان فقط در یک جهت و آن هم رو به جلو انجام می‌شود. چرا زمان هرگز در جهت عکس و رو به عقب حرکت نمی‌کند؟ پاسخ این سؤال، چندان پیچیده نیست و طبیعت تاریخ است که رو به جلو حرکت کند. اما مهم آن است که انسان از تاریخ گذشته، چه تجربه‌ای کسب می‌کند تا در آینده همچنان دچار معضلات و فجایع گذشته نشود. بی‌تردید برای زمان باید اهمیت داد تا جهت حرکت آن را با تحلیل و ارزیابی از وضعیت گذشته و حال، وضعیت آینده را تا حدودی پیش‌بینی کرد و برای تحولات احتمالی آن آماده شد. پس زمان، همواره به جلو حرکت می‌کند.

به‌این ترتیب، تاریخ سکون نیست و طبیعت آن حرکت کردن و جلو رفتن است. بنابراین، حرکت تاریخ، رو به آینده دارد نه به گذشته. به‌عبارت دیگر، تجارب گذشته، چراغ راه آینده است. البته حکومت‌های مستبد و دیکتاتوری و بربری

همچون حکومت اسلامی ایران، می‌توانند با سرکوب و سانسور و کشتار وحشیانه، موانعی در مقابل حرکت تاریخ ایجاد کنند و کمی از سرعت آن بکاهند. اما به‌هیچ‌وجه قادر نیستند مسیر حرکت تاریخ به جلو را ببندد. بی‌تردید زمانی از تاریخ فراخواهد رسید که فاتحان ستمگر کنونی شکست سختی بخورند و سرکوب‌شدگان و استثمار‌شدگان و ستم‌دیدگان پیروز گردند و حرکت تاریخ به‌سوی افق روشن را تسریع و هموار سازند!

جمعه پانزدهم بهمن [دلو] ۱۳۹۵ - سوم فبروری ۲۰۱۷